

برترین بانو

پژوهشی در برتری حضرت زهرا (سلام الله علیها)

بر حضرت مریم و عایشه از نگاه اهل سنت

با مقدمه آیت الله نجم الدین طبسی

محمد شهبازیان

بسم الله الرحمن الرحیم

برترین بانو: پژوهشی پیرامون برتری حضرت زهرا(س) بر مریم بنت عمران و عایشه از نگاه اهل سنت

نویسنده:

محمد شهبازیان

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

برترین بانو: پژوهشی پیرامون برتری حضرت زهرا (س) بر مریم بنت عمران و عایشه از نگاه اهل سنت

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : برترین بانو: پژوهشی پیرامون برتری حضرت زهرا(س) بر مریم بنت عمران و عایشه از نگاه اهل سنت/محمد شهبازیان.

مشخصات نشر : قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۱۲۸ص.

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت : چاپ اول.

شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۲۹۷۸۱

ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۲-۶۱-۱

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا

کتابنامه: ص، [۱۲۲]_ ۱۲۷؛ همچنین به صورت زیرنویس:

۱. فاطمه زهرا علیها السلام، ۸؟ قبل از هجرت _ ۱۱ق. _ فضایل. ۲. فاطمه زهرا علیها السلام، ۸؟ قبل از هجرت _ ۱۱ق. _ نظر اهل سنت. ۳. فاطمه زهرا علیها السلام، ۸؟ قبل از هجرت _ ۱۱ق. _ احادیث. ۴. زنان مقدس _ اسلام _ احادیث. الف. بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج). مرکز تخصصی مهدویت. ب. عنوان.

B ۹۷۳/۲۹۷ ۲۷ /۲/ ۴ ب ۹ش

۱۳۹۱ ۲۴۴۷۹۶۸

ص:۱

اشاره

برترین بانو

پژوهشی پیرامون برتری حضرت زهرا علیها السلام

بر مریم بنت عمران و عایشه

از نگاه اهل سنت

محمد شهبازیان

برترین بانو (پژوهشی پیرامون برتری حضرت زهرا علیها السلام بر مریم بنت عمران و عایشه از نگاه اهل سنت)

مؤلف: محمد شهبازیان

ناشر: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

نوبت چاپ: اول _ تابستان ۹۱

شابک: ۱-۶۱-۶۲۶۲-۶۰۰-۹۷۸

شمارگان: دو هزار نسخه

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

- قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، مرکز تخصصی مهدویت/ خیابان شهدا/ کوچه آمار(۲۲)/ بن بست شهید علیان/ ص.پ: ۱۱۹- ۳۷۱۳۵/ همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱/ تلفن: ۷۷۳۷۸۰۱/ فاکس: ۷۷۳۷۱۶۰

- تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)/ تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹/ فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹/ ص.پ:۳۵۵-۱۵۶۵۵

- www.imammahdi-s.com m info@imammahdi-s.com

با قدردانی و تشکر از همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته اند:

اعضای محترم شورای کتاب حجج اسلام مجتبی کلباسی، محمدصابر جعفری، مهدی یوسفیان، محمدرضا فؤادیان و آقایان احمد مسعودیان (مدیر داخلی)، عبدا... شریفی (مدیر فروش)، مرتضی دانش طلب (مدیر مالی)، رضا فریدی (صفحه آرا)، احمد قاروبی (طراح جلد) و کلیه کسانی که ما را یاری نمودند.

مدیر مسئول انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

حسین احمدی

کد فایل: ۰۹۲۳۲

ص:۲

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین، سیما الحجه بن الحسن المهدی روحی و ارواح من سواه لتراب مقدمه الفداء

قال الصادق علیه السلام قال جدی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم:

«ملعون ملعون من یظلم بعدی فاطمه ابنتی و یغصبها حقها و یقتلها، ثم قال: یا فاطمه ابشری فلک عندالله مقام محمود تشفعین فیه لمحبیک و شیعتک، فتشفّعین، یا فاطمه لو ان کل نبی بعثه الله و کل ملک قربه، شفعوا فی کل مبغض لک غاصب لک ما أخرجه الله من النار ابدا». (الکراجکی)

پس از این همه سفارش و تاکیدات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به فاطمه علیها السلام و پس از آنکه همگان دیدندو شنیدند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به هنگام وارد شدن حضرت فاطمه علیها السلام از جا بر می خاست و به استقبال او می رفت و دستش را می بوسیدواوراجای خود می نشانید،

و پس از آنکه دیدند ویا شنیدند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: «هی روحی التی بین جنبی»، «فاطمه بضعه منی»، انتظار می رفت که همان حرمتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در بین امت داشت ودارد، روح وروان اوو پاره تن او نیز این چنین باشد اما افسوس!!

اهل بیت پیامبر وائمه طاهرین علیهم السلام در شیوه رفتار با فاطمه علیها السلام همان شیوه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را پیش گرفته وآنچنان متواضعانه برخورد کردند که هر انسان را شگفت زده و غرق حیرت محبت و منتهای عشق و تعلق آنان به زهرای اطهر می گرداند.

زمانیکه امام باقر علیه السلام کسالت می یافت فریاد «یا فاطمه»

ص:۵

سر می داد. زمانیکه مشکلات فراگیر شده امام صادق علیه السلام به شیعه نماز فاطمه علیها السلام را تعلیم داده که پس از پایان نماز، سیصد و ده مرتبه در سجده فریاد «یا مولاتی فاطمه اغیثینی» سر بدهند.

زمانیکه امام جواد علیه السلام می خواست به خانه فاطمه علیها السلام وارد شود کفشهای خود را بیرون خانه در آورده و چون وارد می شد، دو رکعت نماز می خواند.همچنین ایشان در پاسخ سوال کننده ای که گفته بود

«ربما طفت عن امک فاطمه و ربما لم اطف» (در مکه گاهی برای مادرت زهرا طواف می کنم)،

می فرمایند:

«استکثر من هذا فانه أفضل ما انت عامله إن شاءالله» (این کار را ادامه داده و زیاد انجام بده، چون بهترین کاری است که تو انجام می دهی).

حضرت مهدی علیه السلام نیز می فرمایند: «لی اسوه بأمی فاطمه».

البته و هزار البته شیوه رفتاری تمامی مسلمانان بویژه پیروان مکتب اهل بیت عصمت، نشأت گرفته از همان سیره وروش پیامبر و اهل بیت اوست.و پیروان مکتب دیگر نیز اگر هوای آلوده حزب شجره ملعونه بنی امیه، و نواصب و خوارج را استنشاق نکرده وبر فطرت خود باشند و تحت تاثیر تطمیع و تهدید و تبلیغات سوءآنان قرار نگرفته باشند، حتما آنان نیز این حریم و حرمت را برای فاطمه نگه داشته و از آن به دفاع برخاسته و با تالیف کتاب هایی چون، فضائل الزهراء (حاکم نیشابوری شافعی) و شواهد التنزیل (حاکم حسکانی حنفی) و فرائد السمطین (جوینی شافعی)

ص:۶

و... ارادت و اخلاص خود را نسبت به ساحت مقدس حضرت زهرا علیها السلام ابراز می دارند.و یا با سخنرانی های خود در خطبه های جمعه با عبارت (انا فی خلال نعلك یا زهرا) محبت خود را به این بانوی بزرگ دو عالم اظهار می کنند. (چنانچه شیخ محمد حسون امام جمعه حلب چنین اظهار می داشت.)

هر چند به مقتضای حدیث متواتر ثقلین تنها محبت و حب آنان مطلوب و کافی نیست بلکه پیروی و اطاعت و مرجعیت آنان مورد نظر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است، ولی باز هم این آثار و تالیفات و این موضعگیری های علمای اهل سنت در برابر نواصب و پرورش یافتگان امویان، خود جهاد بزرگی است. «کلمه حق عند امام جائر»

کسی که مقدمه و انگیزه تالیف فضائل الزهراء (حاکم نیشابوری) را مطالعه کند، بخوبی در می یابد که امویان و نواصب، چه جوی علیه اهل بیت راه انداخته، و امثال حاکم نیشابوری چگونه با این فضای نصب و عداوت و دشمنی با اهل بیت علیهم السلام مبارزه کرده واز مظلومیت زهرای اطهر علیها السلام دفاع می کند.

اگر هزاران جلد کتاب در این زمینه –فضایل و مناقب حضرت فاطمه علیها السلام -نوشته شود، باز هم کم و ناچیز است.

مگر می توانیم به مقام والای این بزرگ بانو پی ببریم، «سمیت فاطمه لان الناس فطموا عن کنه معرفتها».

مگر می توانیم این شخصیت با عظمت را بشناسیم، مگر ما لیلهٔ القدر را می شناسیم «فاطمه هی لیله القدر».

مگر می توان مقام والای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را درک کرد «یا علی،

ص:۷

ما عرفنی الا الله و انت»؛ فاطمه پاره تن این شخصیت است.

ولی میتوان همان سخنی را که ملائکه به خدا عرض کردند «لا علم لنا الا ما علمتنا»، ما هم به بندگان صالح و شایسته خداوند یعنی حضرات معصومین علیهم السلام عرض کنیم و از آنان بخواهیم که گوشه ای از مقام و شأن حضرت صدیقه طاهره علیها السلام را برای ما تبیین کنند.آنان در پاسخ ما یک کلمه می گویند:

«انها سیده نساءالعالمین، سیده نساءاهل الجنه»

آری، ولو کان النساء بمثل هذه لفضلت النساء علی الرجال.

کتاب حاضر پژوهشی است در بیان مقام زهرا علیها السلام در دو عالم، اثر نویسنده فاضل و پژوهشگر تواناجناب ثقه الاسلام محمد شهبازیان، الحق و الانصاف تلاش فراوان و پیگیری را داشته و به دهها کتاب مراجعه کرده و برتری حضرت زهرا علیها السلام را بر تمامی زنان عالمیان حتی حضرت مریم به اثبات رسانیده ودر این زمینه ادله و دیدگاه اهل سنت را نیز متذکر شده و برتری حضرتش را طبق موازین و مبنای آنها نیز به اثبات رسانیده.

نویسنده محترم در طول مدت این پژوهش به اینجانب مراجعات مکرری داشته وبنده نیز ملاحظات و نکاتی را که مورد نیاز بود متذکر شدم، و ایشان هم اعمال کرده و بحمدالله یک رساله علمی و تحقیقی را تدوین و به جهان اسلام و تشیع تقدیم و بر ارزش و غنای علمی کتابخانه های ما افزود.شکر الله سعیه

امیدوارم این رساله اولین گام و مقدمه ای برای تالیف کتاب های تحقیقی و علمی دیگر باشد و طلیعه ای برای خدمات فراوان به

ساحت مقدس اهل بیت پیامبر اکرم علیهم السلام .إن شاءالله

والسلام علیکم

قم مقدس- نجم الدین طبسی

۱۸/ج ۲/۱۴۳۰ برابربا ۲۲/۳/۱۳۸۸

ص:۹

فهرست مطالب

ص:۱۱

چکیده

اگر چه روایات فریقین، از خـدیجه بنت خویلد، مریم بنت عمران و آسـیه، همسـر فرعون، به عنوان زنان برگزیده و در کنار نام حضـرت زهرا علیها السـلام نام برده‌اند؛ اما بر کسـی پوشـیده نیست که در میان این بانوان، حضـرت زهرا علیها السـلام، برترین محسوب می‌شود. برخی از علمای اهل سـنت کوشـیده‌اند با تمسک به آیه ۴۲سوره آل عمران و سه روایت از در منـابع روایی خود، برتری حضـرت مریم علیهـا السـلام، و بـا تمسـک به دو روایت، برتری عـایشه بر حضـرت زهرا علیهـا السـلام را به اثبات رسانند.

نگارنده کوشـیده است با ارائه مسـتنداتی از کتب اهل سنت و ادله‌ای موافق با مبانی ایشان، علاوه بر توجیه دلایل مدعای فوق، به دلایل برتری حضـرت زهرا علیها السـلام بپردازد. به طور کلی، ما در این رساله کوشیده‌ایم تا ادله برتری مریم بنت عمران را به محدود بودن در زمان و عصر

خودش ـ به ویژه به دلیل خصوصیت منحصر به فرد مریم در تولد کودکی بدون پدر ـ تفسیر نموده و دلایل برتری عایشه را نیز با اثبات جعلی بودن یکی از روایات و عدم دلالت برتری در روایت دیگر رد کنیم. عدم تحقیق جامع و وجود نتایج ارزشمندی که از اثبات برتری حضرت زهرا علیها السلام بر مریم بنت عمران حاصل می شود، باعث گردید تا نگارنده به این مهم بپردازد و جهت استحکام ادله در نظر اهل سنت، به طور کلی از منابع روایی و گفتار علمای اهل سنت استفاده کرده است.

کلید واژه‌ها: فاطمه علیها السلام، الا مریم بنت عمران، الا ما جعل الله لمریم، خدیجه بنت خویلد، سیده نساء العالمین، سیده نساء اهل الجنه، بضعه بن منی، ثلثی دینکم، فضل الثرید، کمل من الرجال، ثم فاطمه، بعد مریم بنت عمران.

مقدمه

طرح مساله

در تمامی مذاهب اسلامی از چهار زن به عنوان برترین بانوان و الگوی دیگر زنان نام برده شده است

و این نظر، مستند به روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشد که فرموده اند:

«حسبک من نساءالعالمین اربع مریم بنت عمران و آسیه و خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد؛(۱)

برترین زنان عالم، مریم بنت عمران، آسیه، خدیجه و فاطمه می باشند.»

پس از نقل این روایت و روایت های مشابه، این تکاپو میان علمای مذاهب به‌وجود آمد که کدام یک از این بانوان بر دیگران برتری دارد

۱- المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج۳، ص۱۵۷، باب مناقب فاطمه، ح۴۷۴۶. مراد از «حسبک» در این جا، کفایت در الگو گیری و پیروی می باشد.

و به عنوان برترین زن در دو عالم، مطرح می باشد.

برخلاف نظر علمای شیعه، برخی از اهل سنت، مقام مریم بنت عمران علیها السلام را برتر از زهرای مرضیه علیها السلام می دانند و برای ادعای خود، دلایلی را نیز متذکر شده‌اند. بر این اساس، ضروری است که پس از فحص و دقت در مستندات این گروه و پاسخ گویی به آنان، نظری را که مطابق با آیات و روایات می باشد به دست آوریم و به نتایج آن پایبند باشیم.

اهمیت و ضرورت تحقیق

الف) بررسی و دقت در روایاتی که برترین بانو را معرفی می کنند و حل تعارض های ظاهری میان آنان

ب) معرفی برترین بانو و تلاش برای احیای سیره ایشان و عمل به آن در جوامع اسلامی

ج) احیای مقام واقعی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

د) اعتقاد به مقام‌هایی مانند عصمت، صدق کلام، درستی عمل و علم الهی برای حضرت زهرا علیها السلام با اثبات برتر بودن ایشان در دنیا و آخرت

پرسش های پژوهش

الف) پرسش اصلی

سیده نساء عالمین و برترین بانو، بنابر نقل اهل سنت، چه کسی می باشد؟

ب) پرسش های فرعی

۱.دلایل برتری فاطمه زهرا علیها السلام بر دیگر زنان چیست؟

۲. تعارض میان ادله برتری فاطمه زهرا علیها السلام و مریم عذرا حل چگونه می شود؟

۳. تعارض میان ادله برتری فاطمه زهرا علیها السلام و عایشه چگونه حل می شود؟

فرضیه پژوهش

فرضیه اصلی

زهرای مرضیه علیها السلام برترین بانو در دو عالم بوده و مقام ایشان از مقام مریم بنت عمران، عایشه و تمامی زنان عالم برتر می باشد.

فرضیه رقیب

۱. مریم بنت عمران، برترین بانو در دو عالم است و مقام زهرا علیها السلام پس از او می باشد.

۲. مقام عایشه از حضرت زهرا علیها السلام بالاتر بوده و یا حداقل در یک رتبه می باشند.

پیش فرض ها

صدیقه طاهره علیها السلام از جمله بانوان برتر در دنیا و آخرت و قابل احترام در تمامی مذاهب اسلامی است که آیات و روایات زیادی بر مقام ایشان تأکید نموده اند.

ص:۱۶

پیشینه تحقیق

نگارنده، پس از جستجوی میدانی و پرسش از اساتید صاحب نظر، در این زمینه به کتابی مستقل دست نیافت؛ بلکه تنها کتبی مانند «الکلمه الغراء فی تفضیل الزهراء» اثر علامه سید عبدالحسین شرف الدین و «الارائج المسکیه فی تفضیل البضعه الزکیه علیهاأفضل صلاه وأفضل تحیه» تألیف السید حسن الحسینی آل المجدد الشیرازی، بخشی مختصر از مطالب خود را به این موضوع اختصاص داده اند.

انگیزه تحقیق

۱.عدم پرداختن به این مطلب به صورت موضوعی مستقل یا پژوهشی قابل توجه، به همراه ارائه استدلال های جدید و بررسی روایات معارض

۲. اثبات مقام هایی مانند عصمت، صداقت و علم الهی برای حضرت زهرا علیها السلام، پس از آشکار شدن برتری دختر رسول خدا بر دختر عمران؛ که به اعتقاد اهل‌سنت و شیعه، حائز این مقامات بوده است.

این موارد، زمینه ای شد تا پس از طرح موضوع توسط آیت الله نجم الدین طبسی (حفظه الله تعالی) و راهنمایی های عالمانه ایشان، به تحقیق پیرامون آن بپردازم.

روش پژوهش

روش پژوهش، توصیفی و تحلیلی، و نوع پژوهش، کاربردی می باشد.

ص:۱۷

روش گردآوری

به صورت کتابخانه ای می باشد، و محدود به کتب اهل سنت (عامه) است.

منابع پژوهش

به علت گستردگی منابع، ترجیح داده شد که در پایان و بخش کتابنامه ذکر گردد.

در پایان، لازم است که از استاد بزرگوارم، آیت الله شیخ نجم الدین طبسی و آیت الله احمد عابدی _ که پس از بررسی مطالب، نظرات سازنده ای را متذکر شدند _ و نیز همسرم _ که مرا در انجام این امر یاری نمود _ و تمامی عزیزانی که با ارائه نظرات خود در شکل گیری بهتر کار، نقش آفریدند، تشکر و قدردانی نمایم.

محمد شهبازیان

TARID@CHMAIL.IR

بخش اول: پاره ای از فضایل حضرت زهرا علیها السلام در کتب اهل سنت

اشاره

ص:۱۹

آیات بسیاری از قرآن، مستقیم یا غیرمستقیم به مقام علمی و اخلاقی حضرت زهرا علیها السلام اشاره کرده اند؛ از جمله آیه تطهیر، مباهله، مودت و... اهل‌سنت نیز این آیات را در اثبات مقام حضرت زهرا علیها السلام ذکر و احادیث زیادی را از بزرگان خود، نقل کرده‌اند؛ تا آنجا که کتب مفصل و بسیاری، در این باره، از سوی آنان به نگارش در آمده است.

در این قسمت، به برخی از روایات منقول از سوی اهل‌سنت که صحیح و مستند هستند، اشاره می کنیم.

۱. ۱. برترین زنان در دو عالم و در عالم اسلام

عن أبی هریره أن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال: «إن ملکا من السماء لم یکن زارنی فاستأذن الله فی زیارتی فبشرنی – أو أخبرنی – أن فاطمه سیده نساء أمتی»

رواه الطبرانی ورجاله رجال الصحیح غیر محمد بن مروان

ص:۲۰

الذهلی ووثقه ابن حبان (۱)

«ابوهریره نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: فرشته ای الهی چنین بشارت داد که همانا فاطمه سرور زنان امت من است.»

افراد ذکر شده در سند، از راویان صحیح بخاری می باشد، غیر از محمد بن مروان گرچه ابن حبان او را ثقه و معتبر می داند.

زکریا بن أبی زائد عن فراس عن الشعبی عن مسروق عن عائشه رضی الله عنها: أن النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال: و هو فی مرضه الذی توفی فیه: «یا فاطمه ألا ترضین أن تکونی سیده نساء العالمین و سیده نساء هذه الأمه و سیده نساء المؤمنین»

هذا إسناد صحیح و لم یخرجاه هکذا...(۲)

«از عایشه نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:ای فاطمه! آیا راضی نمی شوی که برترین زنان دو عالم و برترین زنان این امت و برترین زنان مؤمنه باشی؟»

حاکم نیشابوری این روایت را صحیح و معتبر می داند.

۲. ۱. برترین زنان بهشتی

حدثنا أبو العباس محمد بن یعقوب ثنا الحسن بن علی بن

۱- مجمع الزوائد و منبع الفوائد، نور الدین علی بن أبی بکر الهیثمی، باب مناقب فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم رضی الله عنها، ج۹، ص۳۲۴، ح۱۵۱۹۱. مراد از «رجاله رجال الصحیح» راویان کتاب صحیح بخاری هستند.

۲- المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ذکر مناقب فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، ج۳، ص۱۷۰، ح۴۷۴۰.

عفان العامری ثنا إسحاق بن منصور السلولی ثنا إسرائیل عن میسره بن حبیب عن المنهال بن عمرو عن زر بن حبیش عن حذیفه رضی الله عنه قال:

قال رسول الله: «نزل ملک من السماء فاستأذن الله أن یسلم علی لم ینزل قبلها فبشرنی أن فاطمه سیده نساء أهل الجنه» (۱)

تابعه أبو مری الأنصاری عن المنهال

تعلیق الذهبی فی التلخیص: صحیح

«از حذیفه نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ملکی که قبلًا نزد من نیامده بود، از خدا برای سلام کردن بر من اذن گرفته و پس از ملاقات با من چنین گفت: همانا فاطمه برترین زنان بهشتی است.»

حاکم نیشابوری و ذهبی حدیث را صحیح و معتبر می دانند.همین روایت در کتاب سنن ترمذی نیز آمده و آلبانی آن را صحیح می داند.(۲)

۳.۱. محبوب ترین زن نزد رسول خدا

«أخبرنی زکریا بن یحیی قال حدثنا إبراهیم بن سعید قال حدثنا شاذان عن جعفر الاحمر عن عبد الله بن عطاء عن بن

۱- المستدرک علی صحیحین، حاکم نیشابوری، ذکر مناقب فاطمه بنت رسول الله، ج۳، ص۱۶۴، ح۴۷۲۱.

۲- ر.ک: سنن ترمذی، ج۵، ص۶۶۰، باب مناقب الحسن و الحسین علیهما السلام .

بریده قال:

جاء رجل إلی أبی فسأله ای الناس کان أحب إلی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم من النساء فقال کان أحب الناس إلی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم من النساء فاطمه ومن الرجال علی(۱)

«ابن بریده می گوید: وقتی که از پدرم پرسیدند که محبوبترین شخص از زنان و مردان نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چه کسانی بودند، پدرم جواب داد: از میان زنان فاطمه، و از مردان علی محبوبترین افراد بودند.»

نسایی درباره این روایت، بیانی دارد و نقل «عبدالله بن عطا» را قبول نمی کند، اما این سخن نسایی از نظر دیگر علمای اهل سنت قابل قبول نیست، و تمامی افرادی که در سلسله سند روایت آمده اند، ثقه می باشند. افرادی مانند ترمذی، بخاری، ابن حبان و ابن شاهین، «عبدالله بن عطا» را ثقه می دانند و ذهبی نیز او را صدوق می خواند.(۲)

حاکم نیشابوری و ذهبی نیز این روایت را صحیح و معتبر می دانند.(۳)

همچنین مناوی این روایت را نقل کرده و می پذیرد:

النعمان بن بشیر: استاذن ابوبکر علی المصطفی، فسمع عایشه عالیا و هی تقول: والله لقد عرفت أن فاطمه و علیا احب

۱- سنن الکبری، نسایی، ج۵، ص ۱۴۰.
۲- تهذیب الکمال، مزی، ج۴، ص۲۱۲ و پاورقی ص۲۱۳ (مراد از شاذان، اسود بن عامر شاذان و مراد از جعفر الاحمر، جعفر بن زیاد می باشد، که جهت بررسی تفصیلی به کتاب تهذیب الکمال مزی ذیل همین نام ها مراجعه گردد.)
۳- المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج۳، ص۱۶۸، باب مناقب فاطمه علیها السلام .

الیـک منی و من أبی مرتین أو ثلاثا، فاسـتاذن ابوبکر فاهوی علیها، فقال: یا بنت فلان، ألا سـمعتک ترفعین صوتک علی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم

رواه الامام احمد و رجاله رجال الصحیح(۱)

«روزی ابوبکر نزد رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سلم رفت، و شنید که عایشه با صدای بلند، خطاب به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سـلم می گوید: قسم به خدا که علی و فاطمه نزد شـما از من و پدرم محبوبتر هسـتند. این سخن را عایشه دو یا سه بار تکرار کرد. سـپس ابوبکر رو به او کرد و گفت:ای دختر فلان، آیا از تو شنیدم که صدایت را بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بلند نموده ای؟!»

۴. ۱. رضای خدا در رضای فاطمه علیها السلام

عن علی – رضی الله عنه – قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لفاطمه: «إن الله یرضی لرضاک ویغضب لغضبک».

رواه الطبرانی بإسناد حسن تعلیمه إیاها وتأدیبه وتهذیبه لها (۲)

«از علی علیه السـلام نقل شده است که رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه زهرا فرمودند: همانا خداوند راضی می شود با رضایت تو و غضبناک می شود با غضب تو.»

همچنین مناوی این روایت را در قسمتی دیگر از کتاب خود ذکر کرده و در مورد اعتبار سند آن می گوید:

ص:۲۴

۱– اتحاف السائل بما لفاطمه من المناقب، مناوی، ص۲۹.

۲– اتحاف السائل بما لفاطمه من المناقب، مناوی، ص۶۵، ح۱۵.

رواه أحمد والترمذی والحاکم والطبرانی بأسانید صحیحه(۱)

«این روایت را احمد بن حنبل، ترمذی، حاکم نیشابوری و طبرانی با سند معتبر و صحیح ذکر کرده اند.»

أخبرنی أحمـد بن جعفر القطیعی ثنا عبـد الله بن أحمـد بن حنبل حـدثنی أبی ثنا أبو سـعد مولی بنی هاشم ثنا عبـد الله بن جعفر حدثتنا أم بکر بنت المسور بن مخرمه عن عبید الله بن أبی رافع عن المسور... و لکن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال:

«فاطمه بضعه منی یقبضنی ما یقبضها و یبسطنی ما یبسطها»

هذا حدیث صحیح الإسناد و لم یخرجاه تعلیق الذهبی فی التلخیص: صحیح(۲)

«پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمودند: فاطمه پاره تن من است، آنچه که او را اندوهگین کند، مرا اندوهگین کرده وآنچه که او را خوشحال سازد، مرا خوشحال می کند...»

حاکم نیشابوری و ذهبی روایت را صحیح می دانند.

نکته ای که ذیل این روایت و در شـرح های حـدیثی اهل سـنت آمـده، بسـیار قابل تأمل می باشد. در کتبی مانند فیض القدیر، عمـده القاری و فتـح الباری آمـده است که بنابر این حدیث، دشـنام دهنده بر حضـرت زهرا علیها السـلام کافر است. همچنین، مصداق

۱- اتحاف السائل بما لفاطمه من المناقب، مناوی، ص۵۹، ح۵.

۲- ا لمستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، باب مناقب فاطمه، ج۳، ص۱۷۲، ح۴۷۴۷.

بزرگترین اذیت و آزار ایشان، آزار رساندن بر فرزندان او بوده و بنا بر همین برداشت، هیچ توجیهی برای ظلم های بنی امیه وجود ندارد. آنچه در متن شروح آمده، بدین صورت می باشد:

حدثنا أبو الولید حدثنا ابن عیینه عن عمرو بن دینار عن ابن أبی ملیکه عن المسور بن مخرمه رضی الله تعالی عنهما أن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال «فاطمه بضعه منی فمن أغضبها فقد أغضبنی»

واستدل به البیهقی علی أن من سبها فإنه یکفر.(۱)

«بیهقی بنابر این روایت استدلال کرده است که دشنام دهنده بر زهرا علیها السلام کافر می باشد.»

استدل به السهیلی علی أن من سبها کفر لأنه یغضبه وأنها أفضل من الشیخین.(۲)

«سهیلی بنابر این روایت استدلال کرده که دشنام دهنده بر زهرای مرضیه کافر است و مقام ایشان از خلیفه اول ودوم نیز بالاتر است.»

«وفی الحدیث تحریم أذی من یتأذی النبی بتأذیه لأن أذی النبی حرام اتفاقا قلیله وکثیره وقد جزم بأنه یؤذیه ما یؤذی فاطمه فکل من وقع منه فی حق فاطمه شیء فتأذت به فهو یؤذی النبی بشهاده هذا الخبر الصحیح ولا شیء أعظم فی إدخال الأذی علیها من قتل ولدها ولهذا عرف بالاستقراء

۱- عمده القاری شرح صحیح بخاری، بدرالدین عینی، باب مناقب فاطمه، ج۲۴، ص.۴۰۳

۲- فیض القدیر، المناوی، ج۴، ص۴۲۱، حرف الفاء.

معاجله من تعاطی ذلک بالعقوبه فی الدنیا ولعذاب الآخره أشد(۱).»

در این حدیث حرمت آزار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ذکر گردیده، چرا که آزار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بنابر نظر همه علما، چه کم و چه زیاد حرام می باشد. و به طور قطع و با توجه به این روایت معتبر، آن کس و آنچه فاطمه زهرا علیها السلام را آزار دهد، پیامبر را اذیت نموده است.

و هیچ آزاری برای دختر پیامبر بزرگتر از ظلم و اذیت فرزندانش نمی باشد.»

مناوی نیز با توجه به این روایت، بنی امیه و هواداران آنها را چنین توبیخ می نماید:

«کما قال: " فاطمه بضعه منی " ومع ذلک فقابل بنو أمیه عظیم هذه الحقوق بالمخالفه والعقوق فسفکوا من أهل البیت دماءهم وسبوا نساءهم وأسروا صغارهم وخربوا دیارهم وجحدوا شرفهم وفضلهم واستباحوا سبهم ولعنهم فخالفوا المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم فی وصیته وقابلوه بنقیض مقصوده وأمنیته فوا خجلهم إذا وقفوا بین یدیه ویا فضیحتهم یوم یعرضون علیه»(۲).

اگر چه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: فاطمه پاره تن من است، اما بنی امیه به مخالفت با اهل بیت پیامبر پرداختند، خونشان را ریخته، زنانشان را دشنام دادند، کودکانشان را به اسارت

۱- فتح الباری، ابن حجر، ج۹ص۳۲۹، کتاب النکاح، باب ذب الرجل عن ابنته فی الغیره والإنصاف .
۲- فیض القدیر، المناوی، ج۳، ص۱۴، ح ۲۶۳۱.

گرفته، خانه هایشان را ویران ساخته و مقامشان را انکار کردند. همچنین دشنام دادن و لعن بر اهل بیت علیهم السلام را مباح نمودند.آنها با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مخالفت نموده و با او به جنگ پرداختند.پس وای بر آنها زمانی که روبروی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار گیرند.»

۱.۵. برترین انسانها بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

عن عائشه قالت: (ما رأیت أفضل من فاطمه غیر أبیها)

رواه الطبرانی فی الأوسط وأبو یعلی إلا أنها قالت: ما رأیت أحدا قط أصدق من فاطمه. ورجالهما رجال الصحیح(۱)

«از عایشه نقل شده است: کسی را بالاتر از فاطمه، غیر از پدر بزرگوارش ندیده ام.

در روایتی دیگر چنین نقل شده است: هیچ کس را راستگو تر از او ندیده ام.»

افراد ذکر شده در سند، از رجال مورد اعتماد بخاری می باشد.

۱.۶. هم مکان با رسول خدا در قیامت

أخبرنی أبو بکر إسماعیل بن الفقیه بالری ثنا أبو حاتم محمد بن إدریس ثنا کثیر بن یحیی ثنا أبو عوانه داود بن أبی عوف عن عبد الرحمن بن أبی زیاد أنه سمع عبد الله بن الحارث بن نوفل یقول: ثنا أبو سعید الخدری رضی الله عنه: أن النبی صلی الله علیه و آله و سلم

۱- مجمع الزوائد، الهیثمی، باب مناقب فاطمه، ج۹ص۳۲۵، ح۱۵۱۹۳.

دخل علی فاطمه رضی الله عنها فقال: «إنی و إیاک و هذا النائم یعنی علیا و هما یعنی الحسن و الحسین لفی مکان واحد یوم القیامه» (۱).

هذا حدیث صحیح الإسناد و لم یخرجاه، تعلیق الذهبی فی التلخیص: صحیح

«پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دیدار فاطمه علیها السلام آمد و فرمود: همانا من و تو و این شخصی که این جا خوابیده است، یعنی علی و این دو، یعنی حسن و حسین، در روز قیامت در یک مکان هستیم.»

حاکم نیشابوری و ذهبی، روایت را صحیح می دانند.

أخبرنا أحمد بن بالویه العقصی من أصل کتابه ثنا محمد بن عثمان بن أبی شیبه ثنا محمد بن عبد الله بن نمیر ثنا أبو مسلم قائد الأعمش ثنا الأعمش عن سهیل بن أبی صالح عن أبیه عن أبی هریره رضی الله عنه قال: قال رسول الله «تبعث الأنبیاء یوم القیامه علی الدواب لیوافوا بالمؤمنین من قومهم المحشر و یبعث صالح علی ناقته و أبعث علی البراق خطوهاعند أقصی طرفها و تبعث فاطمه أمامی»

هذا حدیث صحیح علی شرط مسلم و لم یخرجاه(۲)

«از ابو هریره نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: روز

۱- المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، باب اسلام علی علیه السلام، ج۳، ص۱۴۷، ح۴۶۶۴. این روایت را با مقداری تفاوت در مسند احمد، ج۲، ص۲۵۹، ح۷۵۳و در معجم الکبیر طبرانی، ج۲۲، ۴۰۶ص، رقم ۱۰۱۷ می توان مشاهده کرد.
۲- المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، باب مناقب فاطمه علیها السلام، ج۳، ص۱۶۶، ح۴۷۲۷.

قیامت، در حالی مبعوث می شوم که فاطمه صلی الله علیه و آله و سلم روبروی من است.»

حاکم نیشابوری این روایت را صحیح می داند.

۱.۷. اولین وارد شونده به بهشت

أخبرنا أبو عبد الله محمد بن أحمد بن بطه الأصبهانی، ثنا عبد الله بن محمد بن زکریا الأصبهانی، ثنا إسماعیل بن عمرو البجلی، ثنا الأجلح بن عبد الله الکندی، عن حبیب بن ثابت، عن عاصم بن ضمره، عن علی رضی الله عنه قال: أخبرنی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم:«(أن أول من یدخل الجنه أنا وفاطمه والحسن والحسین» قلت: یا رسول الله، فمحبونا؟ قال: «من ورائکم» [ضمیمه۱]

صحیح الإسناد، ولم یخرجاه.(۱)

«از علی علیه السلام نقل شده است که پیامبر به من خبر داد: همانا اولین کسانی که وارد بهشت می شود من و فاطمه و حسن وحسین هستیم. گفتم: یا رسول الله پس محبین ما چه می شوند؟ فرمود: آنها پشت سر ما وارد بهشت می گردند.»

حاکم نیشابوری، روایت را صحیح می داند.

۱.۸. شبیه ترین مردم به رسول خدا

حدثنا أبو العباس محمد بن یعقوب بن إسحاق الصغانی، ثنا

۱- المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، باب مناقب فاطمه، ج۳، ص۱۶۴، ح۴۷۲۳.

عثمان بن عمير، ثنا إسرائيل، عن ميسره بن حبيب، عن المنهال بن عمرو، عن عائشه بنت طلحه، عن أم المؤمنين عائشه أنها قالت: ما رأيت أحدا كان أشبه كلاما، وحديثا من فاطمه برسول الله، وكانت إذا دخلت عليه رحب بها، وقام إليها فأخذ بيدها فقبلها وأجلسها فى مجلسه.

هذا حديث صحيح على شرط الشيخين ولم يخرجاه. تعليق الذهبى فى التخليص: صحيح(۱).

«از عایشه نقل شده است: هیچ کس را در سخن و حدیث، شبیه تر از زهرا به پدرش ندیدم و هرگاه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می آمد، ایشان صلی الله علیه و آله و سلم برای او مکان را می گشود؛ پس بر می خاست، به سوی زهرا می رفت، دست او را می گرفت و می بوسید و نزد خود می نشاند.

حاکم نیشابوری و ذهبی این روایت را صحیح می دانند.

ص:۳۱

۱- المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، باب مناقب فاطمه، ج۳، ص۱۶۷ و ص۱۷۵، ح۴۷۳۲. این روایت در این مصادر نیز آمده است: السنن الکبری، للبیهقی، ج۷، ص۱۰۱، السنن الکبری للنسایی، ج۵، ص ۳۹۱ح۹۲۳۶ و صحیح ابن حبان، ج۲۸، ص۴۴۷، ح۷۰۷۹.

بخش دوم: دلایل برتری حضرت زهرا علیها السلام بر زنان عالم

ص:۳۳

ما در این بخش، به بررسی دلائل برتری حضرت زهرا علیها السلام بر حضرت مریم و دیگر زنان عالم می پردازیم و پس از دقتی هر چند کوتاه، متوجه خواهیم شد که نمی توان در دو عالم بانویی برتر از صدیقه طاهره علیها السلام پیدا کرد.

۱) اکثر قریب به اتفاق اهل سنت، این مطلب را قبول دارند که زهرا علیها السلام برترین زنان در دوران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشد و اگر شبهه ای وجود دارد، در برتری مادر بزرگوارشان حضرت خدیجه علیها السلام و عایشه است.

از طرف دیگر، با دلایل متقن و صحیحی که از لا-به لای روایات ذکر خواهد شد و مطالبی که مفسرین، ذیل آیه ۴۲ آل عمران بیان کرده اند (و در بخش سوم کتاب، به تفصیل به آن ها خواهیم پرداخت) مریم، برترین بانو در زمان خودش محسوب می شود و مطابق با روایات حتی بر خدیجه کبری علیها السلام نیز برتری ندارد؛ پس با احتساب اینکه مریم، در نهایت، هم رده با ام المؤمنین، خدیجه است و از سویی، رأی تمامی علمای اهل سنت بر بالا تر بودن مقام زهرا علیها السلام حتی

از مادر بزرگوارشان می باشد، آیا نباید مقام بضعه النبی صلی الله علیه و آله و سلم را از مریم بالاتر دانست؟!

الف) حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت مریم هر دو در یک رده هستند.

ب) حضرت زهرا علیها السلام بر حضرت خدیجه علیها السلام برتری دارد.

(نتیجه) مقام حضرت زهرا علیها السلام از مریم بنت عمران برتر می باشد.

۲) طبق احادیثی که در صفحات قبل ذکر کردیم، تمامی علمای اسلامی، این نکته را قبول دارند که فاطمه علیها السلام برترین بانوی امت اسلام می باشد. از طرفی، بنابر آیات قرآن و روایاتی که ذیل آنها وجود دارد و مورد قبول اهل سنت نیز هست امت اسلام، برترین امت ها است. پس مطمئناً بانوی اول آنها، برترین بانو و سیده زنان هر دو دنیا می باشد.

در این باره می توان به جملات تعدادی از علمای اهل سنت اشاره نمود که این چنین می گویند:

قال الحسن: نساؤه أفضل نساء العالمین.

والمتولی: نساؤه خیر نساء هذه الامه المذکوره تحتملهما.

والایه تحتمل أیضا؛ لظاهر العموم، وقد یحتج له بأن هذه أمه خیر الامم، فنساؤها خیر نساء الامم، والتفضیل علی الافضل تفضیل علی من دونه بطریق الاولی.»(۱)

۱- سبل الهدی والرشاد فی سیره خیر العباد، محمد بن یوسف الصالحی الشامی، جمع أبواب خصائصه صلی الله علیه وسلم فی فوائد تتعلق بکلام عن الخصائص، الباب الأول فیما اختص به عن الانبیاء علیه وعلیهم أفضل الصلاه والسلام فی ذاته فی الدنیا، ج۱۱، ص۹۹. مراد از آیه محتمله، آیه ۳۲ سوره احزاب می باشد.

خلاصه سخن و کلام حسن بصری و دیگر علما این است:

زنان پیامبر، برتر از زنان تمام امت ها هستند (چه گذشته و چه آینده)، چرا که امت او بهترین امت هاست و اگر زنان پیامبر، بر زنان امت برگزیده (یعنی اسلام) برتری داشته باشند، به طریق اولی و یقیناً از زنان امت های قبلی برتر هستند.»

البته نویسنده کتاب سبل الهدی، در ادامه، اعتقاد علمای اهل سنت مبنی بر برتری فاطمه و خدیجه علیهما السلام از دیگر زنان را مطرح می کند.

همچنین احمد زینی دحلان نیز در کتاب خود، به همین مطلب اشاره دارد؛ که در همین بخش و در قسمت کلام علمای اهل سنت، آن را خواهیم آورد.

۳) در روایت صحیحه ای که در بخش قبلی نقل کردیم، حضرت زهرا علیها السلام جزء اولین کسانی هستند که وارد بهشت می شوند و همچنین، ایشان در قیامت با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هم مکان هستند؛ پس چگونه ممکن است کسی که هم زمان با افضل الأنبیا وارد بهشت شود، مقامش از کسانی که پس از او وارد می شوند، پایین تر باشد؟!

شاید برخی بگویند که در روایتی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «قبل

از سابقین امتم، مریم بنت عمران و برخی انبیای دیگر، وارد بهشت می شوند» که این روایت را ابن عساکر چنین آورده:

أخبرنا أبو الفتح یوسف بن عبد الواحد الماهانی عن شجاع بن علی المصقلی عن محمد بن إسحاق بن منده عن أبو عمرو مولی بنی هاشم عن أبو حاتم الرازی عن أبو الیمان عن إسماعیل بن عیاش عن صفوان بن عمرو عن عبد الرحمن بن أبی عوف الجرشی عن عبد الله بن عائذ الثمالی أنه سمع النبی صلی الله علیه و آله و سلم یقول: «لو حلفت لبررت ما یدخل الجنه قبل الأول من أمتی قال: [إلا] إبراهیم وإسماعیل وإسحاق ویعقوب والأسباط وموسی وعیسی ومریم بنت عمران»(۱)

«پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: قبل از اولین نفر از امتم، کسی وارد بهشت نمی شود مگر ابراهیم نبی، اسماعیل، اسحاق، یعقوب و فرزندانش، موسی، عیسی و مریم بنت عمران.»

در جواب باید گفت: مراد از این روایت مطمئناً دخول به بهشت قبل از فاطمه زهرا علیها السلام نیست و ایشان از این روایت استثنا هستند؛ چرا که طبق روایت قبلی، دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همزمان با ایشان وارد بهشت می گردد و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز به دلیل برتری بر تمامی انبیاء الهی، قبل از همه وارد بهشت می شوند.

۴) مطلب دیگری که می توان متذکر شد، پاره تن پیامبر بودن حضرت زهرا علیها السلام است که جهت بیان استدلال، کلام برخی از علمای

۱- تاریخ دمشق، ابن عساکر، ج ۷۰، ص ۱۱۵.

عامه را ذکر می کنیم:

صاحب کتاب سبل الهدی چنین می گوید:

والحدیث الأول یقتضـی فضل فاطمه علی أمها، وفی حدیث آخر: «فاطمه بضعه منی» وهو یقتضی تفضیل فاطمه علی جمیع نساء العالم ومنهن خدیجه وعائشه رضی الله عنها وبقیه بنات النبی صلی الله علیه و آله و سلم ...

قال ابن دحیه فی مرج البحرین: سئل العالم الکبیر أبو بکر بن داود علی رحمه الله: من أفضل خدیجه أم فاطمه رضی الله عنهما؟ فقال: ان رسول الله صـلی الله علیه و آله و سـلم قال «ان فاطمه بضـعه منی» ولا أعدل ببضعه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم أحدا...

وقال السـهیلی: وهـذا اسـتقراء حسن ویشـهد لصـحه هذا الاسـتقراء أن أبا لبابه حین ارتبط نفسه، وحلف أن لا یحله الا رسول الله فجاءت فاطمه لتحله فأبی؛ لاجل قسمه، فقال رسول الله: «انما فاطمه بضعه منی» (۱).

«بنـابر حـدیث " فـاطمه پـاره تن من است"، ایشـان برتر از تمـامی زنـان عـالم است که از جمله می توان به خـدیجه و عایشه و دختران پیامبر اشاره کرد.همچنین، ابن دحیه در کتاب مرج البحرین می گویـد: از عالم کبیر، ابو بکر بن داود علی پرسـیده شـد که فاطمه برتر است یا خدیجه؟

ص:۳۸

۱- سبل الهدی والرشاد، الصالحی الشامی، باب جمع ابواب خصائصه صـلی الله علیه و آله و سلم، الباب الاول، ج۱۱، ص۱۰۴و ص۱۰۷. همچنین ر.ک: الروض الأنف، عبدالرحمن بن عبدالله السهیلی، ج۲، ص۲۷۹، باب اسلام خدیجه بنت خویلد.

جواب داد که هیچ کسی با پاره تن رسول خدا برابری ندارد و سهیلی می گوید: این برداشت ابوبکر بن داود، برداشت صحیحی است. و زمانیکه أبا لبابه خودش را به ستون بست و قسم یاد کرد که طناب را باز نمی کند مگر اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بگویند، فاطمه نزد او آمد و درخواست باز کردن طناب ها را نمود اما او به درخواست فاطمه علیها السلام توجه نکرد؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به او گفت: «فاطمه پاره تن من است» و مراد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این بوده که سخن او سخن من می باشد.

همچنین او در قسمتی دیگر از کتابش، کلام برخی از علمای اهل سنت را نقل می کند که همین معنا را می رساند. او می گوید:

وقال القاضی قطب الدین الخیضری رحمه الله فی الخصائص بعد أن ذکر کلاما طویلا فی التفضیل بین خدیجه ومریم، إذا علمت ذلک، فینبغی أن یستثنی من إطلاق التفضیل سیدتنا فاطمه ابنه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فهی أفضل نساء العالم، لقوله: «فاطمه بضعه منی ولا یعدل ببضعه رسول الله – صلی الله علیه و آله و سلم – أحد» ... قال الشیخ تفی الدین المقریزی فی الخصائص النبویه فی کتابه إمتاع الاسماع: ...

واحتمل تفضیل فاطمه علیها، وعلی غیرها من النساء، لقوله صلی الله علیه و آله و سلم: «فاطمه بضعه منی»، وبضعه النبی لا یعدل بها شی وهو أظهر الاحتمالات لمن أنصف.

وقال الزرکشی فی الخادم عند قول الرافعی والنووی: " وتفضیل زوجاته صلی الله علیه و آله و سلم علی سائر النساء " ما نصه: هل المراد نساء

ص:۳۹

هـذه الامه أو النساء كلهن؟ فيه خلاف، حكاه الرويانی ويستثنى من الخلاف سيدتنا فاطمه، فهی أفضل نساء العالم، لقوله صـلی الله عليه و آله و سلم: " فاطمه ولا يعدل ببضعه من رسول الله أحد، وفی الصحيح: بضعه منی «أما ترضين أن تكونی خير نساء هذه الامه» انتهی.(۱)

«قاضی قطب الدين خيضری در كتاب خود، پس از بيان تفضيل بين خديجه و مريم، چنين می گويد: لازم است كه در بحث برتری مريم و خديجه بر يكديگر، بانويمان فاطمه را استثنا كنيم؛ چرا كه فاطمه برترين بانوان است [حتی از خديجه و مريم] واين سخن نيز به دليل سخن پيامبر صلی الله عليه و آله و سلم می باشد كه فرمود: فاطمه پاره تن من است؛ كه در اين صورت احدی با زهرای اطهر عليها السلام برابری نمی كند.

همچنين مقريزی در كتاب خود می گويد: به دليل پاره تن بودن رسول خدا صلی الله عليه و آله و سلم، فاطمه بر ديگر زنان برتری دارد و كسی با بضعهالنبی برابر نيست. زركشی نيز در ذيل كلام رافعی و نووی كه بحث از برتری زنان رسول خدا صلی الله عليه و آله و سلم بر ديگر زنان می باشد، چنين می گويد:

در اينكه مراد برتری زنان پيامبر صلی الله عليه و آله و سلم بر تمام زنان عالم می باشد يا تنها زنان امت اسلام، بحث و نظر است. اما رويانی، فاطمه عليها السلام را از اين اختلاف استثناء كرده و معتقد است كه در هر دو صورت، فاطمه زهرا عليها السلام از اين سخن استثنا می باشد و او بر تمام زنان، حتی همسران پيامبر صلی الله عليه و آله و سلم برتری دارد. چرا كه ايشان پاره تن رسول خدا صلی الله عليه و آله و سلم می باشد.

۱- سبل الهدی والرشاد، الصالحی الشامی، جماع أبواب ذكر أزواجه صلی الله عليه و آله و سلم، الباب الثانی، ج۱۲، ص۵۲.

آلوسی هم در تفسیر خود، ذیل آیه ۴۲ آل عمران چنین می گوید:

والذی أمیل إلیه أن فاطمه البتول أفضل النساء المتقدمات والمتأخرات من حیث إنها بضـعه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بل ومن حیثیات أخر أیضاً، ولا یعکر علی ذلک الأخبار السابقه لجواز أن یراد بها أفضـلیه غیرها علیها من بعض الجهات وبحیثیه من الحیثیات وبه یجمع بین الآثار وهـذا سائغ علی القول بنبوه مریم أیضاً إذ البضـعیه من روح الوجود وسـید کل موجود لا أراها تقابل بشیء وأین الثریا من ید المتناول...(۱)

«آن چه که نظر من است برتری فاطمه بر تمامی زنان امت های گذشـته و آینده است چرا که او پاره تن رسول خدا می باشد و البته دلایـل دیگری نیز وجود دارد. و اخبـاری که بیـان می کنـد برخی از زنان، دارای فضـیلتی از جهاتی و حیثیاتی می باشـند، نمی تواننـد روایات برتری حضـرت زهرا علیها السـلام بر تمام عالمیان را خدشه دار کنند و بدین وسـیله میان این روایات جمع کرده و تناقضـی نمی بینیم و اینکه ایشان پاره تن رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم می باشد، از مقام نبوت مریم هم [اگر قائل باشیم] بالاتر است؛ چرا که پاره تن آقای عالمیان و روح جهان مقامی است که هیچ فضیلتی با آن برابری نمی کند.»

جالب است که آلوسی، امتیاز پاره تن نبی بودن زهرای اطهر علیها السلام را بالاتر از امتیاز نبوت مریم می داند (البته اگر نظریه نبوت مریم قابل قبول باشد) و همین سخن را ذیل آیه ۳۲ احزاب نیز بیان می کند.(۲)

ص:۴۱

۱- روح المعانی، آلوسی، ج۲، ص۱۴۹.

۲- روح المعانی، آلوسی، ج۸، ص۱۸۵.

۵) آیات بسیاری در قرآن وجود دارد که بنابر نقل های صحیح در کتب اهل سنت، مخصوص صدیقه طاهره و اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می باشد؛ آیاتی مانند آیه مودت - که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اجر رسالت خودش را حب اهل البیت علیهم السلام به ویژه حضرت زهرا علیها السلام قرار داده است- و یا آیه تطهیر- که بنا بر این آیه، عصمت حضرت فاطمه علیها السلام اثبات می گردد- و یا روایاتی از قبیل حدیث عایشه، «که من پس از رسول خدا، صادق تر از زهرا ندیدم»- و این، خود دلالت بر صدیقه بودن بانوی اول اسلام دارد- و همچنین روایت ثقلین- که زهرا علیها السلام را همگام با قرآن می داند[ضمیمه۲]-.

تمام این ها در کنار صدها روایتی که در مقام ایشان نقل شده، هر خواننده منصفی را بدین سمت سوق می دهد که ایشان در علم، تقوا و عصمت چیزی کمتر از مریم ندارد؛ بلکه در مواردی امتیازاتی را دارا است که بنت عمران از آن ها بی بهره است، مانند اینکه ایشان پاره تن اشرف مخلوقات عالم، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم محسوب می شود و همچنین، مادر موعودی است که برقرار کننده عدل و احسان بر روی زمین است؛ زیرا حتی اگر اختلاف اهل سنت با شیعیان- در مورد اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از نسل امام حسن علیه السلام می دانند- در نظر بگیریم، در این مطلب شکی نیست که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل فاطمه علیها السلام می باشد؛ همان منجی موعودی که بنا بر نظر شیعیان و اهل سنت، عیسی بن مریم در نمازش به او اقتدا خواهد

ص:۴۲

کرد. به عنوان نمونه، می توان به سنن ابی داوود و تفسیر کشاف مراجعه نمود که چنین آورده اند:

- حدَّثنا أَحْمد بن إبراهيم حدّثنا عبد اللَّه بن جعفر الرقِّیّ حدّثنا أَبو المليحِ الحسن بن عمر عن زِياد بنِ بيان عن علیّ بنِ نفيل عن سعيد بنِ الْمسيبِ عن أمِ سلمه قالت سمعت رسول الله - صلی الله عليه و آله و سلم - يقول «المهدیّ من عترتی مِنْ ولد فاطمه»(۱)

آلبانی این حدیث را صحیح می داند. «پیامبر فرمودند: مهدی از عترت من و از فرزندان فاطمه است.»

- أن عيسی عليه السلام ينزل علی ثنيه بالأرض المقدّسه يقال لها أفيق وعليه ممصرتان، وشعر رأسه دهين، وبيده حربه، وبها يقتل الدجال، فيأتی بيت المقدس والناس فی صلاه الصبح والإمام يؤم بهم، فيتأخر الإمام فيقدِّمه عيسی ويصلی خلفه علی شريعه محمد عليه السلام، ثم يقتل الخنازير ويكسر الصليب، ويخرب البيع والكنائس، ويقتل النصاری إلا من آمن به

«عیسی علیه السلام پس از نزولش و کشتن دجال به بیت المقدس می آید، در حالی که مردم، برای اقامه نماز صبح، مهیا هستند. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به ایشان اشاره می کند که نماز را اقامه کند، اما عیسی علیه السلام امام را بر خود مقدم کرده و پشت سر امام نماز می خواند».(۲)

این مطلب از نگاه عالمی همچون سهیلی دور نمانده و می گوید:

۱- سنن ابی داود، کتاب المهدی، ج۴، ص۳۰۷.

۲- کشاف زمخشری، ذیل آیه ۶۱ زخرف.

«و مِن سُؤددها أيضاً أنّ المهـدی المبشـر به آخرالزمان من ذرّيتها، فهی مخصوصه بهذا كلّه و الأحاديث الوارده فی أمر المهدی كثيره.»

«و از جمله دلايل برتری فاطمه بر زنان عالم اين است كه، همانا مهـدیِ بشارت داده شـده در آخرالزمان، از فرزنـدان اوست. و اين امتياز و ديگر فضائل مخصوص اين بانوی بزرگوار می باشـد. و احاديثی كه در مورد مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـريف آمده بسيار زياد است.»(۱)

۶) رواياتی نيز در كتب اهل سنت وجود دارد كه تماميت بحث ما را می رساند:

– زكريا بن أبی زائد عن فراس عن الشـعبی عن مسـروق عن عائشه رضی الله عنها: أن النبی صلی الله عليه و آله و سلم قال و هو فی مرضه الـذی توفی فيه: «يا فاطمه ألا ترضـين أن تكونی سـيده نساء العالمين و سـيده نساء هذه الأمه و سـيده نساء المؤمنين؟» (۲)

«پيـامبر صـلی الله عليه و آله و سـلم فرمودنـد:ای فاطمه! آيا راضـی نمی شوی كه سـرور زنان در دو دنيا و سـرور زنان امت من وسرور زنان مؤمنه باشی؟»

– أخبرنا أبو القاسم بن يمان بن محمد بن الفضل وأبو مضر رشيد بن محمد بن الحسن بن علی بن أيوب وأبو بكر ذاكر بن

۱– الروض الأنف، سهيلی، ج۲، ص۲۷۹.

۲– المستدرك علی الصحيحين، حاكم نيشابوری، باب مناقب فاطمه، ج۳، ص ۱۷۰، ح ۴۷۴۰.

أحمد بن عمر بن أبی بکر الکرکاس وأبو جعفر محمد بن الحسین بن محمد بن [الحسین]الصافی وأم النجم نورسی بنت أبی الوفاء عبیدالله بن محمود قالوا عن أبو عبد الله القاسم بن الفضل بن أحمد الثقفی ح وعن أبو محمد بن طاوس عن أبو الحسین أحمد بن عبد الرحمن بن محمد الذکوانی قالا عن أبو الفرج عثمان بن أحمد بن إسحاق البرجی عن محمد بن عمر بن حفص نا إسحاق بن إبراهیم شاذان عن سعد بن الصلت عن مقاتل عن الضحاک عن ابن عباس عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال:

«أربع نسوه سادات عالمهن مریم بنت عمران وآسیه بنت مزاحم امرأه فرعون وخدیجه بنت خویلد وفاطمه بنت محمد وأفضلهن عالما فاطمه» (۱)

«از ابن عباس نقل شده است که پیامبر فرمودند: چهار زن برترین زنان عالمشان هستند، مریم، آسیه، خدیجه وفاطمه؛ و فاطمه، برترین آنها در عالم است.»

در این روایت، تصریح شده است که فاطمه علیها السلام برتر از دیگر زنان عالم می باشد؛ چرا که پس از ذکر نام چهار بانوی بزرگوار، از میان ایشان، حضرت زهرا علیها السلام به عنوان برترین بانو معرفی می شود.

و همچنین مؤلف کتاب فرائد السمطین در ضمن یک حدیث طولانی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، به نقل از سعید بن جبیر، از ابن عباس چنین می گوید:

۱- تاریخ دمشق، ابن عساکر، ج ۷۰، ص۱۰۷، ح۱۳۸۰۶.

«و اما ابنتی فاطمه فانها سیده نساء العالمین من الاولین والآخرین و هی بضعه منی و هی نور عینی و هی ثمره فؤادی و هی روحی التی بین جنبی و هی الحوراء الانسیه متی قامت فی محرابها بین یدی ربها جل جلاله زهر نورها لملائکه السماء کما یزهر نور الکواکب لاهل الارض و یقول الله عزو جل لملائکته یا ملائکتی انظروا الی أمتی فاطمه سیده إمائی قائمه بین یدی ترعد فرائصها من خیفتی و قد اقبلت بقلبها علی عبادتی اشهدکم أنی قد أمنت شیعتها من النار. وأنی لما رایتها ذکرت ما یصنع [بها] بعدی کأنی بها و قد دخل الذل بیتها و انتهکت حرمتها و غصب حقها و منعت ارثها و کسر جنبها و اسقطت جنینها و هی تنادی یا محمداه فلا تجاب و تستغیث فلا تغاث فلا تزال بعدی محزونه مکروبه باکیه فتذکر انقطاع الوحی من بیتها مره وتتذکر فراقی اخری و تستوحش اذا جنها اللیل لفقد صوتی التی کانت تستمع الیه اذا تهجدت بالقرآن ثم تری نفسه ذلیله بعد ان کان فی ایام ابیها عزیزه و عند ذلک یؤنسها الله تعالی فینادیها بما نادی به مریم ابنه عمران فیقول: یا فاطمه ان الله اصطفاک و طهرک و اصطفاک علی نساء العالمین یا فاطمه اقنتی لربک واسجدی وار کعی مع الراکعین...» (۱) [ضمیمه۳]

ص:۴۶

۱- فرائدالسمطین، شیخ الاسلام جوینی، ج۲، ص۳۴، باب السابع من السمط الثانی. شیخ الاسلام جوینی از شیوخ و اساتید ذهبی (از محدثین بزرگ اهل سنت) می باشد و ذهبی در شرح حال او و جلالت مقامش چنین آورده است: «الامام الکبیر المحدث صدر الدین ابو الجامع الخراسانی الجوینی الصوفی ... ..سمع بخراسان و بغداد والشام و الحجاز. وکان ذا اعتناءبهذا الشان و علی یده اسلم الملک غازان.» (معجم محدثی ذهبی، ص ۵۰، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۳ه_)

«اما دخترم فاطمه، همانا او برترین بانوان دو عالم است از اولین زنان تا آخرین آنها و او پاره تن من است.... حرمت او را هتک، و حق و ارثش را غصب می کنند و پهلویش را می شکنند و کودک او را سقط می کنند و او فریاد می زد یا محمداه! از مردم کمک می طلبد اما کسی او را یاری نمی کند... سپس او خود را خوار و بی یاور می بیند، بعد از ایام شوکت و عزتی که در زمان من داشت. در آن زمان، خدای متعال، انیس او شده و ... همان ندایی را که بر مریم فرستاد، به او هم اعلام می کند:ای فاطمه! خدا تو را برگزید و پاک قرار داد و برتمامی زنان عالم برتری داد».

نکته:

همچنین در فرائدالسمطین حدیثی نقل شده ا ست، مبنی بر این که خلقت زمین و آسمان به برکت زهرای مرضیه علیها السلام می باشد؛ که این، خود دلالت بر برتری صدیقه کبری علیها السلام بر مریم می نماید:

عن العلاء بن عبدالرحمن عن ابیه عن ابی هریره عن النبی صلی الله علیه وآله انه قال: ...قال آدم: یا رب هل خلقت احدا من طین قبلی؟قال: لا ـ یا آدم.قال: فمن هؤلاء الخمسه الاشباح الذین اراهم فی هیئتی و صورتی؟ قال: هؤلاء الخمسه من ولدک لولاهم ما خلقتک هؤلاء الخمسه شققت لهم خمسه

اسماء من اسمائی، لولاهم ما خلقت الجنه والنار و لا العرش ولا الکرسی ولا السماء و لا الارض و لا الملائکه ولا الانس و لا الجان... (۱)

«آدم به خدای متعال گفت: پروردگارا! آیا قبل از من کسی را از گِل آفریده ای؟ خدا فرمود: خیر. آدم گفت: پس این پنج شبح نورانی چه کسانی هستند؟ خداوند فرمود: این ها از فرزندان تو هستند، که اگر این ها نبودند، تو و بهشت و جهنم و کرسی و عرش و زمین و آسمان و انسان ها و اجنه و ملائکه را خلق نمی کردم.)

۷) کلماتی که علمای اهل سنت ذکر کرده اند:

ونعم ما قال الإمام مالك ولا أفضل أحدا على بضعه رسول الله صلى الله علیه و آله و سلم (۲)

ملا علی قاری حنفی پس از توضیح روایت «فاطمه پاره تن من است»، از امام مالك چنین نقل می کند: نمی توان کسی را برتر از پاره تن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پیدا کرد.»

مناوی نیز به نقل از دیگران، چنین می آورد:

- العلقمی: هی أفضل الصحابه حتی من الشیخین (۳)

«علقمی می گوید: فاطمه برترین صحابه است، و ایشان حتی برتر از خلیفه اول و دوم می باشد.»

- وذکر العلم العراقی أن فاطمه وأخاها إبراهیم أفضل من

۱- فرائدالسمطین، شیخ الاسلام جوینی، ج۱، ص۳۶، الباب الاول.
۲- مرقاه المفاتیح، ملا علی قاری، باب مناقب اهل البیت، ج۱۱، ص۲۹۲.
۳- فیض القدیر، مناوی، ج۳، ص۱۰۷، حرف الهمزه ح۱۳۰۷ و ج۲، ص۵۳، ش۱۳۰۷.

الخلفاء الأربعه بالاتفاق) (۱) [ضمیمه۴]

«عالمی برجسته مانند عراقی می گوید: همانا فاطمه و برادرش ابراهیم، برتر از خلفای چهار گانه مسلمین هستند.»

مناوی همچنین می گوید:

لکن قال بعضهم: لا أعدل ببضعه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم أحدا وممن صار إلی ذلک: المقریزی والسیوطی أفضلیتها علی نساء هذه الأمه: أما نساء هذه الأمه فلا ریب فی تفضیلها علیهن مطلقا بل صرح غیر واحد أنها وأخوها إبراهیم أفضل من جمیع الصحابه حتی الخلفاء الأربعه(۲)

«مقریزی و سیوطی اعتقاد به برتری زهرا علیها السلام بر تمامی زنان عالم دارند و می گویند: کسی با پاره تن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برابر نمی باشد.و افراد متعددی تصریح نموده اند که او و برادرش ابراهیم، حتی برتر از خلفای چهار گانه می باشد.»

احمد زینی دحلان شافعی- که مفتی شافعی در مکه بوده است - چنین می گوید:

ذکر تزویج فاطمه بنت رسول الله بعلی، و هی الزهرا و البتول افضل نساء الدنیا حتی مریم رضی الله عنها کما اختاره المقریزی و الزرکشی و الحافظ السیوطی فی کتابیه شرح النقایه و شرح جمع الجوامع بالادله الواضحه التی منها ان هذه الامه افضل من غیرها و الصحیح ان مریم لیست نبیه بل حکی

۱- فیض القدیر، مناوی، ج۴، ص۴۲۱، حرف الفا، ح۵۸۳۵.

۲- اتحاف السائل، مناوی، الباب الرابع فی خصائصها ومزایاها علی غیرها ,، ص۸۷.

الاجماع علی انه لم یتنبأ امراه قط و.....(۱)

«زهرا علیها السلام برترین زنان در دو عالم می باشد، حتی بر مریم؛ همان گونه که مقریزی، زرکشی و سیوطی _ در دو کتاب شرح النقایه و جمع الجوامع _ اعتقاد دارند افضل در این امت، برتر از افضل در دیگر امت هاست و قول صحیح این است که مریم بنت عمران نبی نبوده است.»

کلماتی نیز در موارد قبلی ذکر شد که از تکرار آنها پرهیز می کنیم.

در پایان بخش دوم، کلامی از مطالب السؤول نقل می کنیم. مؤلف، مطالب بسیاری در مدح اهل البیت و زهرا علیها السلام دارد که جای دقت و تأمل است؛ لذا فرازی از مطالب کتاب را متذکر می شویم:

اعلم ان رسول الله صلی الله علیه و آله قد حکم بصفه الکمال لکل واحده من هؤلاء الاربع مریم و آسیه و خدیجه و فاطمه فکل واحده منهن کامله فی ذاتها و قد اختصت فاطمه دونهن بحصول اسباب تقتضی علو درجاتها فی صفتها علی رفیقاتها لم تحصل لواحده منهن فتکون باعتبار تلک الزیاده اکمل منهن. وبیان ذلک ان صفه الکمال ثابته لکل واحد من اصلیها: رسول الله و خدیجه. اما کمال رسول الله و الیه المنتهی و هو

۱- حاشیه کتاب « السیره الدحلانیه » اثر علی بن برهان الدین الحلبی، کتاب « السیره النبویه والآثار المحمدیه » اثر السید احمد زینی مشهور به دحلان می باشد که این مطالب از باب «ذکر تزویج فاطمه» در کتاب احمد زینی الدحلان، ج۲ ص۷ نوشته شده است.این کتاب در کتابخانه مسجد اعظم موجود می باشد.

الغایه القصوی و اما خدیجه فقد ثبت کما لها بالحدیث المذکور والولد جزء من الابوین، فتضاف الی کمال فاطمه لذاتها زیاده من کمال ابیها و کمال امها فتکون اکمل النساء علی الاطلاق و فی ذلک دلاله شافیه و تبصره کافیه.(۱)

«بدان که رسول خدا حکم کرد بر وجود کمال در چهار تن از زنان عالم؛ مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه. که هر یک دارای کمال ذاتی هستند؛ اما فاطمه دارای کمال بالاتر از آنهاست و اکمل آنها محسوب می شود؛ چرا که او از طرف پدر و مادر نیز دارای کمال است، آن هم، پدری مانند حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و مادری مانند خدیجه. پس فاطمه هم کمال ذاتی دارد و کمالات پدر و مادرش را دارد به این دلیل کاملترین و برترین زنان از گذشته تا آینده است.»

۱- مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول، محمد بن طلحه النصیبی الشافعی، ص۵۷.

بخش سوم: نقد و بررسی ادله برتری مریم علیها السلام

اشاره

ص:۵۳

در تعارض با دلایل برتری زهرای مرضیه علیها السلام، احادیثی از اهل سنت در فضیلت حضرت مریم و عایشه نقل شده که به گمان نگارنده، هیچ یک دلالت بر برتری این دو از زهرای مرضیه علیها السلام ندارد. در این بخش به بررسی دلایل ذکر شده در برتری مریم بنت عمران و توضیح پیرامون آنها می پردازیم.

الف. آیه ۴۲ سوره آل عمران

«وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِکه یا مَرْیم إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاک وَطَهَّرَک وَاصْطَفَاک عَلَی نِسَاءِ الْعَالَمِینَ؛

و فرشتگان گفتند:ای مریم! همانا خداوند تو را برگزید و پاکیزه گردانید، و بر زنان جهان، برتری بخشید.»

فخر رازی و قرطبی در تفاسیر خود به این بحث پرداخته اند و این چنین گفته اند:

- وهذه الآيه دلت على أن مريم عليها السلام أفضل من الكل و قول من قال المراد إنها مصطفاه على عالمى زمانها، فهذا ترك الظاهر(۱)

«و این آیه، افضل بودن مریم بر تمام زنان را دلالت می کند و نظر کسانی که مراد از عالمین را، عالم زمان مریم علیها السلام می دانند، خلاف ظاهر آیه است.»

- فظاهر القرآن والأحاديث يقتضى أن مريم أفضل من جميع نساء العالم من حواء إلى آخر امرأه تقوم عليها الساعه(۲)

«ظاهر قرآن و احادیث، برتری مریم از تمام زنان، از حوا تا زمان قیامت را دلالت می کند.»

در جواب به این استدلال و برداشت از آیه شریفه به دو مطلب باید توجه نمود:

- مراد از عالمین، عالَم زمان مریم بنت عمران است

با توجه به نظر اکثر مفسران اهل سنت پیرامون این آیه و تأیید این برداشت در روایات شیعه و سنی، حضرت مریم، تنها، برگزیده بر زنان عصر و دوران خودش بوده و این برتری نسبت به تمامی زنان پس از او نمی باشد.پس نمی توان با توجه به این آیه، مقام مریم را برتر از زهرای مرضیه علیها السلام دانست؛ چنانکه عباراتی از کتب اهل سنت، بر این موضوع تصریح دارند:

- (واصطفاك) اختارك (على نِسَآءِ العالمين) عالمى زمانك

۱- تفسیر فخر رازی،، ج۸، ص۴۳، ذیل آیه.

۲- تفسیر قرطبی، ج۴، ص۸۳، ذیل آیه.

بولاده عیسی(۱)

«اختیار کرد خداوند تو را بر زنان زمان خودت»

– (واصطفاک علی نساء العالمین)، یعنی: اختارک علی نساء العالمین فی زمانک بطاعتک اياه، ففضلک علیهم(۲)

«مراد از (نساء العالمین)، یعنی: برگزید تو را بر زنان زمان خودت[نه تمام زمان ها]»

– «حدّثنا علی بن الحسینِ، ثنا الهیثم بن الیمانِ، ثنا الحکم، عنِ السّدِّی: واصطفاک علی نساء العالمین قال: علی نساء ذلک الزمانِ الذی هم فیه(۳)

سدی می گوید: مراد از آیه این است که مریم برگزیده زنان زمان خود می باشد.

– «قوله تعالی: وإِذ قالت الملآئِکه: یا مریم إِنَّ اللّه اصطفاک فیه قولان: أحدهما: اصطفاها علی عالمی زمانها، وهذا قول الحسن.(۴)

مراد از برگزیدگی در آیه، برگزیدگی بر زنان عصر خودش می باشد. و این نظر و عقیده صحیحی می باشد.

واصطفاک علی نساء العالمین فی وقتک(۵)

۱- تفسیر ابن عباس، ج۱، ص۵۹، ذیل آیه.

۲- تفسیر طبری، ج۳، ص۲۶۲، ذیل آیه.

۳- تفسیر ابن ابی حاتم، ج۲، ص۴۹۶، ذیل آیه.

۴- تفسیر النکت و العیون الماوردی، ج۱، ص۲۳۱، ذیل آیه.

۵- تفسیر القشیری، ج۱، ص۳۱۲، ذیل آیه.

مراد این است که خدا تو (مریم) را بر زنان هم عصرت برتری داد.

- (یا مریم إنّ الله اصطفاک) أی: بما لطف لک حتی انقطعت إلی طاعته (وطهرک) من ملامسه الرِّجال والحیض (واصطفاک علی نساء العالمین) علی عالمی زمانک(۱)

- (وَ) اذکر (إِذْ قَالَتِ الملئکه) ای جبریل (یامریم إِنَّ الله اصطفاک) اختارک (وَطَهَّرَک) من مسیس الرجال (واصطفاک علی نِسَاءِ العالمین) ای أهل زمانک(۲)

- وأخرج عبد بن حمید وابن جریر وابن المنذر وابن أبی حاتم عن مجاهد فی قوله (إن الله اصطفاک وطهرک) قال: جعلک طیبه ایماناً. وأخرج ابن حاتم عن السدی (وطهرک) قال: من الحیض (واصطفاک علی نساء العالمین) قال: علی نساء ذلک الزمان الذی هم فیه(۳)

- قال ابن عزیز: أی: عالمی دهرها، کما فضِّلَتْ خدیجه وفاطمه بنت رسول الله علی نساء أمه محمد صلی الله علیه و آله و سلم (۴)

- (عَلَی نِسَآءِ الْعَالَمِینَ): عالمی زمانها ولا یحرر غیرها(۵)

- والمراد بالعالمین هنا قیل: نساء عالم زمانها، وهو الحق(۶)

ص:۵۷

۱- الوجیز للواحدی، ج۱، ص۸۷، ذیل آیه.

۲- تفسیر جلالین، ج۱، ص۳۳۴، ذیل آیه.

۳- درالمنثور، ج۲، ص۳۲۲، ذیل آیه.

۴- البحر المدید، ج۱، ص۲۷۷، ذیل آیه.

۵- الکشف والبیان للثعلبی، ج۳، ص۷۷، ذیل آیه.

۶- فتح القدیر، شوکانی، ج۱ص۳۳۸.

شوکانی در بیانی دیگر می گوید:

وفی المعنی احادیث کثیرهو کلها تفید ان مریم علیها السلام سیده نساء عالمها لا نساء جمیع العالم و یؤیده ما أخرجه ابن عساکر عن مقاتل عن الضحاک عن ابن عباس عن النبی قال «اربع نسوه سادات نساء عالمهن مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم و خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد و افضلهن عالما فاطمه» (۱)

«احادیث بسیاری در تأیید این معنا وجود دارد که مریم، سرور زنان زمان خود بوده است نه تمام زمانها، و می توان به روایت ابن عساکر استناد کرد که می گوید: از بین تمامی زنان، چهار زن برتر از همه هستند واز میان آن چهار نفر، فاطمه برترین در عالم است.»

اینگونه تفسیر از معنای «عالمین» سابقه داشته و مفسران در کتب تفسیر، ذیل آیه «یا بَنِی إِسْرَائِیلَ اذْکروا نِعْمَتِی الَّتِی أَنْعَمْت عَلَیکمْ وَأَنِّی فَضَّلْتکمْ عَلَی الْعَالَمِینَ»(۲) بدین نکته اشاره کرده اند مفسران اهل سنت و شیعه و در مورد آن، به این مطلب پایبند بوده و هستند که مراد از برگزیدگی بنی اسراییل بر عالمین، مطلق زمان ها نمی باشد، بلکه به همان عصر و دوران خودشان نظر دارد.

ص:۵۸

۱- فتح القدیر، شوکانی، ج۱ص ۳۴۰، ذیل آیه.
۲- بقره، ۴۷.

در این باره می توان به تفاسیر ذیل اشاره نمود:

قال قتاده وابن زید وابن جریج وغیرهم: المعنی علی عالم زمانهم الذی کانت فیه النبوءه المتکرره والملک، لأن الله تعالی یقول لأمه محمد صلی الله علیه و آله و سلم: «کنتم خیر أمه أخرجت للناس»(۱)

«مراد از عالمین، عصر و دوران خودشان می باشد نه تمام زمان ها؛ چرا که خدای متعال به امت پیامبر اسلام می گوید: شما برترین امت ها هستید.»

همچنین ابن کثیر در تفسیر خود چنین می گوید:

یذکرهم تعالی سَالفَ نعمه علی آبائهم وأسلافهم، وما کان فَضَّلهم به من إرسال الرسل منهم وإنزال الکتب علیهم وعلی سائر الأمم من أهل زمانهم، کما قال تعالی: ولقد اخْترْناهمْ علی علْم علی الْعالمین) (۲) و قال تعالی: (وإذْ قال موسی لقوْمه یا قوْم اذْکروا نعْمه اللّه علیکمْ إذْ جعل فیکمْ أنْبیاء وجعلکمْ ملوکا وآتاکمْ ما لمْ یؤْت أحدًا من الْعالمین) (۳)

وقال أبو جعفر الرازی، عن الربیع بن أنس، عن أبی العالیه، فی قوله تعالی: (وأنّی فضّلْتکمْ علی الْعالمین) قال: بما أعطوا من الملک والرسل والکتب علی عالم من کان فی ذلک الزمان؛ فإن لکل زمان عالما.

و روی عن مجاهد، والربیع بن أنس، وقتاده، وإسماعیل بن

۱- المحرر الوجیز، ابن تمام بن عطیه، ج۱، ص۷۳، ذیل آیه ۴۷، سوره بقره.

۲- دخان، ۳۲.

۳- مائده، ۲۰.

أبی خالد نحو ذلک، ویجب الحمل علی هذا؛ لأن هذه الأمه أفضل منهم؛ لقوله تعالی خطابا لهذه الأمه: (کنْتمْ خیر أمّه أخْرجتْ للنّاس تـأْمرون بالْمعْروف وتنْهوْن عن الْمنْکر وتؤْمنون باللّه ولوْ آمن أهْل الْکتاب لکان خیرًا لهمْ) (۱) وفی المسانید والسنن عن معاویه بن حیده القشیری، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: (أنتم توفون سبعین أمه، أنتم خیرها وأکرمها علی الله). والأحادیث فی هذا کثیره تذکر عند قوله تعالی: (کنْتمْ خیر أمّه أخْرجتْ للنّاس) (۲)

«خداوند، نعمت های خود را بر یهودیان و آباء آنها یادآوری می کند و اینکه آنها را به واسطه فرستادن پیامبران متعدد و کتب آسمانی مختلف، بر سایر امت های زمان خودشان برتری داد. همانگونه که در آیات قرآن بدان اشاره فرموده است.

همچنین محـدثین در تفسـیر آیه «و أنی فضـلتکم علی العالمین» چنین می گوینـد: آنها را با توجه به فرسـتادن رسولان بسـیار و کتب متعـدد بر اهل آن زمان برتری دادیم [نه مطلق زمان ها]، چرا که برای هر زمانی، عالَمی است. و از مجاهد، ربیع بن انس، قتـاده و اسـماعیل بن أبی خالـد چنین ذکر شـده و لازم است که مراد از «عالمین» را مخصوص اهل زمان خودشان بگیریم؛ چرا که خداوند، امت اسلام را برترین امت ها معرفی نموده است. همانگونه که خدای

۱- آل عمران، ۱۱۰.

۲- تفسیر ابن کثیر، ج۱، ص۲۵۵،ذیل آیه.

متعال می فرماید: «شما بهترین امت ها هستید».

و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به امت اسلام فرمودند: شما بهتر و عزیزترین امت ها نزد خدا هستید و احادیث بسیاری در این زمینه وارد شده است.»

فخر رازی نیز به تفصیل به این نکته، اشاره، و دلایلی متعدد در اختصاص برتری بنی اسرائیل به اهل زمان خودشان بیان می کند.

أما قوله تعالی: (وأنی فضلتکم علی العالمین) ففیه سؤال وهو: أنه یلزم أن یکونوا أفضل من محمد وذلک باطل بالاتفاق.... فالآیه تدل علی أن بنی إسرائیل فضلوا علی العالمین فی أمر ما وهذا لا یقتضی أن یکونوا أفضل من کل العالمین فی کل الأمور، بل لعلهم وإن کانوا أفضل من غیرهم فی أمر واحد فغیرهم یکون أفضل منهم فیما عدا ذلک الأمر.(1)

«اما در مورد این سخن خدای متعال که فرمود: «شما بنی اسرائیل را بر عالم برتری دادیم، آیا لازمه آن این است که آنها برتر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و امت او هستند؟ این سخن به اتفاق همه علما باطل است. پس آیه دلالت می کند که آنها به خاطر داشتن برخی امتیازات، بر اهل زمان خود برتری داشتند، نه بر تمام امت ها و از تمام جهات.»

در تأیید این مطلب – که مریم، بانوی زنان زمان خودش بوده است- روایاتی نیز ذکر شده که می توان به برخی از این روایات اشاره

۱- تفسیر فخر رازی، ج۳، ص۵۲، ذیل آیه. فخر رازی دو دلیل برای اثبات سخن خود، ذکر می کند.

نمود:

حدثنا هرون بن إسحق الهمدانی حدثنا عبده بن هشام بن عروه عن أبیه عن عبد الله بن جعفر قال: سمعت علی بن أبی طالب یقول سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یقول خیر نسائها خدیجه بنت خویلد وخیر نسائها مریم ابنه عمران قال وفی الباب عن أنس و ابن عباس و عائشه.

وهذا حدیث حسن صحیح، قال الشیخ الألبانی: صحیح. (۱)

«عبدالله بن جعفر می گوید: علی علیه السلام فرمودند که از رسول خدا شنیدم که فرمود: بهترین زنان [این دوران] خدیجه، و بهترین زنان[عصر گذشته] مریم بنت عمران می باشد».

این روایت توسط ترمذی و آلبانی صحیح شمرده شده است.

پس از اینکه ذهبی همین حدیث را در سیر اعلام النبلا ذکر می کند، شعیب ارنووط (محقق کتاب) چنین می گوید:

اخرجه البخاری فی فضائل اصحاب النبی باب تزویج النبی خدیجه و فضلها و مسلم فی فضائل الصحابه باب فضائل خدیجه والترمذی فی المناقب. وقوله خیر نسائها قال القرطبی (الضمیر عائد علی غیر مذکورلکنه یفسره الحال والمشاهده یعنی به

۱- سنن ترمذی، باب فضل خدیجه، ج۵، ص۷۰۲. همچنین ر.ک: تفسیر طبری، ذیل آیه ۴۲ ال عمران و معجم الکبیر، طبرانی، ج۲۲، ص۴۱۷، ش ۱۰۳۰.

الدنیا) والمعنی ان کل واحد منهما خیر نساء الارض فی عصرها. [(۱)]

«این حدیث را بخاری، مسلم و ترمذی ذکر کرده اند و مراد از «خیر نسائها» این است که هر یک، بهترین زنان در عصر و زمانه خودش می باشد.»

ابن حجر نیز - که از شارحان معروف صحیح بخاری می باشد و شرح او از جمله کتب معتبر محسوب می گردد _ در تبیین این روایت چنین آورده است:

والّذی یظْهر لی أنّ قوْله " خیر نسائها " خبر مقدّم والضّمیر لمرْیم فکأنّه قال مرْیم خیر نسائها ای نساء زمانها، وکذا فی خدیجه. وقدْ جزم کثیر منْ الشّرّاح أنّ الْمراد نساء زمانها لما تقدّم فی أحادیث الْأنْبیاء فی قصّه موسی وذکر آسیه منْ حدیث أبی موسی رفعه " کمل منْ الرّجال کثیر ولمْ یکمل منْ النّساء إلّا مرْیم وآسیه " فقدْ أثْبت فی هذا الْحدیث الْکمال لآسیه کما أثْبته لمرْیم، فامْتنع حمْل الْخیریه فی حدیث الْباب علی الْإطْلاق، وجاء ما یفسّر الْمراد صریحًا.[(۲)]

«آنچه که در روایت، ظاهر است اینکه عبارت «خیر نسائها»

۱- سیر اعلام النبلا، ذهبی، ج۲، ص۱۱۳، پاورقی.
۲- فتح الباری، ابن حجر، ج۷، ص۱۳۵، باب مناقب خدیجه. هم چنین می توان شبیه به همین مطالب را در ج۶، ص۴۷۱، باب احادیث الانبیا، تفسیر آیه ۴۲ سوره آل عمران نیز، مشاهده نمود. همچنین ر.ک: سلسله مصابیح الهدی، محمدبن ابراهیم بن حسان، باب فضائل خدیجه علیها السلام .

خبر مقدم است و مراد از ضـمیر «ها» در عبارت، به مریم بنت عمران بر می گردد و مراد این است که «مریم، بهترین زنان زمان خود است» و به این سخن، اکثر شارحین حدیث معتقدند. و بنابر اینکه آسیه نیز همچون مریم دارای کمال می باشد، نمی توان برتری مریم را به صورت مطلق تفسیر نمود. [بلکه این برتری مخصوص زمان خودش می باشد].»

از دیگر تأییدات بر اینکه برتری مریم علیها السلام، محدود به قوم بنی اسراییل و عصر خود بوده، می توان به آن دسته روایتی اشاره کرد که ایشان را «سیده نساء بنی اسراییل» می داند:

ومنها حصول الرزق لها من عند الله کما «روی عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم أنه جاع فی زمن قحط فأهدّت له فاطمه رضی الله عنها رغیفین وبضعه لحم آثرته بها فرجع بها إلیها وقال: هلمی یا بنیه. فکشفت عن الطبق فإذا هو مملوء خبزاً ولحماً فبهتت وعلمت أنها نزلت من عند الله. فقال النبی لها: أنی لک هذا؟ قالت: هو من عند الله. إن الله یرزق من یشاء بغیر حساب. فقال صلی الله علیه و آله و سلم: الحمد لله الذی جعلک شبیهه سیده نساء بنی إسرائیل. ثم جمع علی بن أبی طالب والحسن والحسین وجمیع أهل بیته حتی شبعوا وبقی الطعام کما هو، فأوسعت فاطمه علی جیرانها» وفی أمثال هذه الخوارق من غیر الأنبیاء دلیل علی صحه الکرامات من الأولیاء(۱)

ص:۶۴

۱- تفسیر نیشابوری، ج۲، ص۲۴۹، ذیل آیه ۳۷ سوره آل عمران و درالمنثور، سیوطی، ج۲، ص۳۱۵، همان آیه. همچنین ر.ک: الکشاف زمخشری، ج۱، ص۲۷۲؛ تفسیر روح المعانی، آلوسی، ج۳، ص۹؛ أنوار التنزیل، بیضاوی، ج۱، ص ۳۴۰ و تفسیر ابن کثیر، ج۳، ص۳۶.

«روزی در ایام قحطی، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نزد فاطمه زهرا سبدی پر از غذا دیدند و فرمودند: این غذا ها از کجا آمده؟ فاطمه جواب داد: این ها از جانب خدای متعال می باشد. پس پیامبر فرمودند: شکر برای خدایی که تو را مانند سرور زنان بنی اسراییل قرار داد.»

- بر گزیدگی مریم بنت عمران، به دلیل تولد حضرت عیسی علیه السلام بدون داشتن همسر

مطلب بسیار مهمی که اینجا وجود دارد و از دید بسیاری از مفسرین نیز پنهان نمانده است، برگزیدگی مریم، تنها از جهت تولد عیسی علیه السلام بدون تماس با بشری می باشد، نه از جهات دیگر؛ و همانگونه که خواهد آمد، مفسرین، مراد از دومین «اصطفاك» را به این معنا گرفته اند، و قید «علی النساء العالمین» را نیز به آخرین متعلق [یعنی دومین اصطفاك] که نزدیک به آن عبارت است، بر می گردانند واین مطلب با آن روایاتی که مریم را بین زنان زمان خودش، برگزیده می دانند نیز هماهنگی دارد. این وجه تفاوت او با دیگر زنان در تمام دوران ها، فضیلتی برای ایشان است؛ اما دلیل برتری محسوب نمی شود. خصوصاً با توجه به این مطلب که حضرت زهرا علیها السلام جهات برتری بسیاری دارد که هیچ یک از آن ها در مریم بنت عمران نیست.

ص:۶۵

مفسرین اهل سنت در بیان این مطلب چنین می گویند:

- (واصطفاک) یعنی واختارک، (علی نساء العالمین) بالولد من غیر بشر(۱)

«(واصطفاک) یعنی خداوند تو را اختیار کرد از میان تمامی زنان عالم، به دلیل تولد فرزندی بدون اینکه بشری با تو تماس داشته باشد.»

والاصطفاء الثانی لولاده المسیح(۲)

«برگزیدگی دوم، به خاطر ولادت عیسی بن مریم می باشد.»

واصطفاک علی نساء العالمین فی وقتک. وفائده تکرار ذکر الاصطفاء: الأول اصطفاک بالکرامه والمنزله وعلو الحاله والثانی اصطفاک بأَنْ حَمَلْت بعیسی علیه السلام من غیر أب، ولم تشبهک امرأه - ولن تشبَهک - إلی یوم القیامه، ولذلک قال (عَلَی نسَاء العَالَمینَ) (۳)

«استفاده از کلمه (اصطفاک) برای بار دوم، جهت حمل عیسی علیه السلام بدون داشتن پدری است و هیچ زنی از این جهت به مریم شباهت ندارد و از این روی، خدا فرمود: (علی نساءالعالمین)»

البته طنطاوی بیشترین بیان را در این زمینه دارد. او در تفسیر

ص:۶۶

۱- تفسیر مقاتل، ذیل آیه.

۲- تفسیر ماوردی، ذیل آیه.

۳- تفسیر قشیری، ج۱، ص۳۱۲، ذیل آیه؛ همچنین ر.ک: تفسیر کشاف، زمخشری و تفسیر نیشابوری، ذیل همین آیه.

خود می گوید:

یا مریم (إنَّ الله اصطفاک) أی اختارک واجتباک لطاعته، وقبلک لخدمه بیته (وَطَهَّرَک) من الأدناس والأقذار، ومن کل ما یتنافی مع الخلق الحمید، والطبع السلیم (واصطفاک علی نسَآء العالمین) بأن وهب لک عیسی من غیر أب دون أن یمسسک بشر. وجعلک أنت وهو آیه للعالمین.

قال الفخر الرازی ما ملخصه: وأما الاصطفاء الثانی فالمراد به أنه - تعالی - وهب لها عیسی من غیر أب، وجعلها وابنها آیه للعالمین ".

ولا شک أن ولادتها لعیسی من غیر أب ودون أن یمسها بشر، هو أمر اختصت به مریم ولم تشارکها فیه امرأه قط فی أی زمان أو مکان، فهی أفضل النساء فی هذه الحیثیه.أما من حیث قوه الإیمان، وصلاح الأعمال فیجوز أن یحمل اصطفاؤها علی نساء العالمین علی معنی تفضیلها علی عالمی زمانها من النساء وبعضهم یری أفضلیتها علی جمیع النساء فی سائر الأعصار هذا وقد أورد ابن کثیر عدداً من الأحادیث التی وردت فی فضل مریم وفی فضل غیرها من النساء، ومن ذلک ما أخرجه الشیخان عن علی بن أبی طالب أنه قال: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یقول: "خیر نسائها مریم بنت عمران، وخیر نسائها خدیجه بنت خویلد".(۱)

ص:۶۷

۱- تفسیر الوسیط، طنطاوی، ج۲، ص۱۰۲.

«ای مریم! (ان الله اصطفاک) یعنی تو را برگزید تا او را عبادت کرده و خدمت کنی (و طهرک) و پاک کرد تو را از پلیدی ها و از هرچه که مخالف اخلاق نیکو باشد (و اصطفاک علی نساء العالمین) و تو را بر دیگر زنان برتری داد با این امر که بدون مسِّ بشری باردار شدی و عیسی علیه السلام متولد گردید. و تو و فرزندت را نشانه ای برای جهانیان قرار داد.

همچنین فخر رازی می گوید:

«برگزیدگی دوم و مراد از اصطفای دوم این است که خداوند به او فرزندی عنایت فرمود، بدون اینکه توسط مردی لمس گردد.»

شکی نیست که تولد حضرت عیسی علیه السلام بدون وجود پدر، امری است مختص به حضرت مریم علیها السلام و هیچ زنی در این قضیه مانند او نیست و مریم از این حیث از دیگر زنان، متمایز است. اما از نظر ایمان و تقوا و عبادت، برتری او مخصوص زنان عصر خود می باشد، نه تمام دوران ها. و نظر برخی که برگزیدگی او را برای تمام دوران ها می دانند، نمی توان پذیرفت؛ همانگونه که ابن کثیر، روایات متعددی را در فضل و برتری مریم و دیگر زنان آورده است. از آن جمله روایات، این است که علی علیه السلام می فرماید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که خدیجه، بهترین زنان زمان خود و مریم نیز بهترین زنان زمان خودش بوده است.»

نتیجه اینکه در تفسیر آیه ۴۲ آل عمران، نمی توان به کلام قرطبی و امثال او در استدلال به این آیه شریفه توجه نمود. زیرا:

ص:۶۸

الف) روایات بسیاری دلالت بر محدود بودن برتری و برگزیدگی مریم علیها السلام در عصر خود دارد.

ب) قید برگزیدگی او بر دیگر زنان، تنها از این جهت است که بدون تماس با بشری، عیسی بن مریم را به دنیا آورده است.

ج) دلایل بسیاری در برتری و امتیاز صدیقه طاهره علیها السلام بر همه زنان عالم، حتی مریم بنت عمران وجود دارد.

د) اگر برتری مریم بنت عمران را بر حضرت زهرا علیها السلام بپذیریم، باید برتری حضرت خدیجه علیها السلام بر حضرت زهرا علیها السلام را نیز قبول کنیم؛ در حالیکه هیچ یک از علمای شیعه و سنی به این مطلب اعتقاد ندارد.

ص:۶۹

ب. روایت «انت سیده نساء اهل الجنه الا مریم البتول»

حـدثنا أبو جعفر محمـد بن علی بن دحیم الصایغ بالکوفه، ثنا محمد بن الحسـین بن أبی الحسـین، عن علی بن ثابت الدیان، عن منصور بن أبی الأسود، عن عبد الرحمن بن أبی نعم، عن أبی سعید الخدری رضی الله عنه قال: قال رسول الله: «فاطمه سیده نساء أهل الجنه، إلا ما کان من مریم بنت عمران»(۱)

«ابی سعید خدری گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: فاطمه علیها السلام برترین زنان بهشتی است و تمام ویژگی های برتری و فضـیلت را دارد؛ جز در آن خصوصیتی که به صورت ویژه در مریم بنت عمران بوده است. (مراد، بارداری ایشان بدون تماس با بشری می باشد)

روایت فوق با اسناد متفاوت و طریق های گوناگون در کتب اهل سنت آمده است؛ که در مجموع، می توان به پنج طریق اشاره کرد:

۱. علی علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

۲. فاطمه زهرا علیها السلام

۳. ام سلمه

۴. عایشه

۵. ابوسعید خدری

۱- المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، باب مناقب فاطمه علیها السلام، ج۳، ص۱۶۸، ح۴۷۱۶.

در روایت های بسیاری که از طریق این افراد نقل شده، سه متن متفاوت بیان شده است:

۱. فاطمه سیده نساء اهل الجنه الا ما جعل الله لمریم ابنه عمران...(۱)

فاطمه، برترینِ زنان بهشتی است و تمام خصوصیات منحصر به فرد را دارد؛ جز در آن خصوصیتی که خدای متعال در مریم، دختر عمران قرار دارد. (یعنی بارداری بدون لمس بشری)

۲. فاطمه سیده نساء اهل الجنه الا ما کان من مریم ابنه عمران.(۲)

۳. فاطمه سیده نساء اهل الجنه الامریم بنت عمران.(۳)

اکثر سندهای ذکر شده در منابع روایی اهل سنت، دارای ضعف و عدم اعتبار است؛ اما به دلیل اعتبار سند نقل شده در کتاب المستدرک علی الصحیحین، این روایت، نزد علمای اهل

۱- تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج۷۰، ص۱۱۳، باب مریم بنت عمران.

۲- سنن الکبری، نسایی، ج۵، ص۹۵، ش۵۱۴ و تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج۷۰، ص۱۱۳، باب مریم بنت عمران.

۳- جزء فضائل فاطمه، ابن شاهین، ص۱۷، ح۴و۵؛ الآحاد و المثانی ابن ابی عاصم، ج۵، ص۱۴۰، باب فاطمه ؛ سنن ترمذی، ج۵، ص۷۰۱، باب فضایل فاطمه ؛ تفسیر طبری، ذیل آیه ۴۲ ال عمران و فرائد السمطین، جوینی، ج۲، ص۴۲، الباب التاسع من السمط الثانی.

سنت مورد قبول می باشد.

n دلالت روایات

علمای عامه، در نگاه اول با توجه به احادیثی مانند « یا فاطمه ألا ترضین أن تکونی سیده نساء العالمین و سیده نساء هذه الأمه و سیده نساء المؤمنین» حکم به برتری صدیقه طاهره علیها السلام بر تمامی زنان می کنند؛ اما برخی از آنان، با توجه به روایات «... الا مریم بنت عمران» از نظر خود برگشته و حکم به برتری مریم داده اند.

باید توجه داشت که برای حل تعارض ابتدایی بین احادیثی که زهرای مرضیه علیها السلام را سیده نساء عالمین می دانند و روایاتی که حضرت مریم را از دیگر زنان، استثنا می کنند، نمی توان حدیث دوم را قید برای حدیث اول شمرد و با توجه به قوانین عموم و خصوص، آن را مقید نمود و نتیجه گرفت که فاطمه علیها السلام بر تمامی زنان عالم برتری دارد، جز مریم بنت عمران. بلکه جمع این روایات و حل مشکل تعارض، بدین صورت است که کلمه «إلا» دلالت بر برتری مریم ندارد؛ بلکه نهایتاً تساوی و همرده بودن را طرح می کند.

بهترین قرینه بر این معنا، روایات و تفسیر مفسران و دلایلی عقلی است که در بخش قبل ذکر نمودیم؛ مبنی بر این که مریم علیها السلام برترین زنان دوران خودش بوده است و در این صورت، او حتی بر ام المؤمنین

خدیجه نیز برتری ندارد، چه رسد به زهرای اطهر علیها السلام . روشن است که در صورت تفضیلی معنا کردن (الا)، و بالاتر دانستن مریم از زنان تمام دوران ها، تعارض این دست روایات با روایاتی که زهرا علیها السلام را سیده عالمیان معرفی می کند، باقی خواهد ماند.

از این روست که برخی علمای اهل سنت، به این مطلب اشاره نموده و برای حل تعارض، «إلا» را به معنای تسویه (هم رده بودن) آورده اند. از این جمله، می توان به سخن محمد عبد الرحمن بن عبد الرحیم المبارکفوری صاحب کتاب تحفه الاحوذی بشرح جامع الترمذی اشاره نمود که چنین می گوید:

الاستثناء یحتمل التساوِی ویحتمل العکس فی الفضلِ، وقیل لعلّه ورد قبل أَنْ یوحَی إِلَیه صلی الله علیه و آله و سلم بِفضلِ فاطمه علی نساء العالمین(۱)

« احتمال دارد استثنا در این جا به معنای تساوی باشد...و برخی چنین می گویند که این روایت، مربوط به زمانی است که فضیلت و برتری فاطمه علیها السلام بر تمامی زنان عالم، به پیامبر وحی نشده بوده است.»

همچنین در عمده القاری چنین آمده است:

هذا یدل علی أن فاطمه ومریم أفضل هذه الأربع ثم یحتمل الاستثناء أن تکون مریم أفضل من فاطمه ویحتمل أن تکونا علی السواء فی الفضیله (۲)

۱- تحفهالاحوذی، محمد المبارکفوری، ج ۱۰، ص۲۹۶، باب فضل ازواج النبی، ح۳۸۲۸.
۲- عمدهالقاری، عینی، باب قول الله تعالی ضرب الله مثلا للذین امنوا امراه فرعون، ج۱۵، ص۳۰۹.

«این سخن، دلالت دارد که فاطمه و مریم، برترین زنان هستند. پس استثناء در روایت می تواند بیانگر برتری مریم و یا تساوی مریم و فاطمه باشد».

مطلب ذکر شده، در صورتی است که «إلا» را به صورت استثنای متصل و به معنای تسویه بگیریم؛ اما می توان آن را به معنای (واو) نیز گرفت و روایت را حمل برتساوی این دو بانوی بزرگوار نمود. (البته این در صورتی است که نظر نحویونی مانند اخفش را در معنای واوی «إلا» بپذیریم).

در این باره، ابن هشام نحوی چنین می گوید:

والثالث: أن تکون عاطفه بمنزله الواو فی التشریک فی اللفظ والمعنی، ذکره الأخفش والفراء وأبو عبیده،(۱)

معنای سوم برای الاّـ این است که معنای واو عاطفه را دارد و این نظر برخی علمای نحو همچون: أخفش، فراء و أبوعبیده می باشد.

نگارنده معتقد است، در صورت استثنا معنا کردن «إلاـ»، نه تنها این روایت دلالت بر برتری مریم بنت عمران ندارد، بلکه به برتری مقام حضرت زهرا علیها السلام اشاره می کند، چرا که این روایت، نکته ای ظریف را بیان کرده که برگرفته از همان آیه ۴۲ سوره آل عمران می باشد.

۱- مغنی اللبیب، ابن هشام، باب إلّا.

در تفسیر آیه تذکر دادیم و سخنانی از مفسران اهل سنت را نیز آوردیم، مبنی بر این که برگزیدگی و اصطفای دوم به تولد حضرت عیسی علیه السلام بدون پدر اشاره دارد، و این حدیث نیز به پیروی از آن آیه، به همین نکته توجه داده است.

اگر به روایات مشابه «... الاـ مریم» توجه کنیم، در برخی از آنها جمله «... الاـ ما جعل الله لمریم» و یا «... الا ما کان من مریم» آمده است. بنا بر روایاتی که در صفحات قبل ذکر شد، و مریم را برترین زنان عصر خود معرفی کردند، مراد از «ما» ی موصوله در این روایات، نمی تواند برتری مقام و جایگاه او باشد؛ بلکه اشاره به خصوصیتی ویژه برای مریم، نسبت به دیگر زنان دارد و معنای حدیث را به این صورت، ارائه می دهد:

«فاطمه برترین زنان اهل بهشت است و تمامی فضائل و خصوصیات منحصر به فرد را دارد؛ جز آن موردی که خدا در مریم قرار داد، یعنی داشتن فرزندی بدون مسّ بشر.»

و در گذشته بیان کردیم که این ویژگی، به تنهایی نمی تواند دلیلی برای برتر بودن مریم باشد؛ چرا که حضرت زهرا علیها السلام نیز دارای خصوصیات متعددی بوده و هیچ یک از آن امتیازات در مریم علیها السلام وجود ندارد.

نکته ای دیگر که مانع از آن می شود که این روایت را دلیل برتری مریم بدانیم، این است که در صورت پذیرش این روایت، باید به

مطلبی باطل و رد شده از نظر تمامی فرق اسلامی و علمای اهل سنت، اعتقاد پیدا کرد؛ چرا که اگر حضرت زهرا علیها السلام بر همه برتری دارد جز بر مریم علیها السلام، و از طرف دیگر، مریم و خدیجه علیهما السلام در یک رتبه و مقام هستند، در نهایت باید قائل شویم که زهرا علیها السلام برترین بانوان است جز بر مریم و خدیجه علیها السلام ؛ در حالیکه هیچ یک از فرق اسلامی (چه شیعه و چه سنی) این مطلب را نه بیان کرده و نه می پذیرد و همگان به برتری زهرا علیها السلام بر حضرت خدیجه علیها السلام اذعان دارند.

در نتیجه، آن دسته از روایاتی که مریم بنت عمران را استثنا نموده است، نه تنها با دلایل متقن برتری صدیقه طاهره علیها السلام بر مریم تعارض دارد، بلکه دارای یک نتیجه باطل نیز هست (برتری حضرت خدیجه علیها السلام بر حضرت زهرا علیها السلام) که پذیرش روایت را غیر ممکن می نماید.

ج. روایت «سیدات اهل الجنه بعد مریم بنت عمران فاطمه و خدیجه و آسیه امراه فرعون»

بر خلاف حدیث سابق که در مصادر شیعی، موجودنبود شبیه حدیث فوق را در ارشاد القلوب دیلمی می توان یافت(۱)؛ لکن این حدیث، از نظر شیعیان اعتباری ندارد، چرا که مرفوعه می باشد و سند آن ذکر نشده است.

این روایت به چند سند و متن، در کتب اهل سنت آمده است:

- حدثنا أحمد قال: عن أبو جعفر قال: نا عبد العزیز بن محمد الدراوردی، عن إبراهیم بن عقبه، عن کریب، عن ابن عباس قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «سیدات نساء أهل الجنه، بعد مریم ابنه عمران: فاطمه وخدیجه، ثم آسیه امرأه فرعون»

لم یرو هذا الحدیث عن إبراهیم إلا الدراوردی، ولا یروی عن ابن عباس إلا بهذا الإسناد(۲)

«ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که فرمودند: برترین زنان بهشتی بعد از مریم بنت عمران؛ فاطمه، خدیجه و آسیه همسر فرعون می باشند. این روایت را جز دراوردی کسی از ابراهیم بن عقبه نقل نکرده است و از ابن عباس نیز جز

۱- ارشاد القلوب، دیلمی، ص۱۷۵.

۲- معجم الاوسط، طبرانی، باب الالف، من اسمه احمد، ج۲، ص۲۳. همچنین ر.ک: معجم الکبیر، طبرانی، باب العین، احادیث ابن عباس، ج۱۱، ص۴۱۵.

به این سند، روایت را نقل نکرده اند.

- ابن أبی شیبه عن عبد الرحمن بن أبی لیلی فاطمه سیده نساء العالمین بعد مریم ابنه عمران وآسیه امرأه فرعون وخدیجه ابنه خویلد (۱)

فاطمه، برترین زنان بهشتی است بعد از مریم بنت عمران، و آسیه و خدیجه.»

بر خی از اهل سنت بنابر این روایت و با توجه به کلمه «بعد» به برتری حضرت مریم علیها السلام بر حضرت زهرا علیها السلام قائل شده و ویژگی خاصی برای مریم بنت عمران در نظر گرفته اند.

جا دارد که قبل از پرداختن به متن روایت، به نکته ای قابل تأمل، پیرامون سند آن بپردازیم.

این روایت، تنها به دو سند و طریق، در روایات اهل سنت وارد شده که فرد مورد انتقاد در سند اول، «عبدالعزیز بن محمد الدراوردی» و در سند دوم، «شریک بن عبدالله النخعی» می باشد.

در مورد سند اول، سخن طبرانی چنین است:

لم یرو هذا الحدیث عن ابراهیم الا الدراوردی و لا یروی عن ابن عباس الا بهذا الاسناد(۲)

«این روایت را کسی جز دراوردی [عبدالعزیز بن محمد] از

۱- مصنف ابن أبی شیبه، ج۶، ص۳۸۸، ح ۳۲۲۷۳، ما ذکر فی فضل فاطمه و سند روایت چنین است: شریک، ابی فروه، عبدالرحمن بن ابی لیلی، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم .

۲- معجم الکبیر، طبرانی، باب العین، ج۱۱، ص۴۱۵.

ابراهیم بن عقبه نقل نکرده و از ابن عباس نیز فقط به این سند، روایت آمده است».

گویا طبرانی قصد دارد علاوه بر تأکید بر تک بودن سند روایت و نقل از ابن عباس، عدم اطمینان به دراوردی را نیز تذکر دهد.

ابتدا به بررسی احوال این دو راوی، اشاره و سپس به تبیین روایت خواهیم پرداخت.

اگرچه علمای علم رجال اهل سنت، الدراوردی را ثقه دانسته اند اما خطا در نقل حدیث و فراموش کاری را به او نسبت داده و همین ویژگی از ارزش روایات منفرد او _ که کسی جز او نقل نکرده است _ می کاهد؛ علاوه بر این که این روایت، با ادله معارضش، توان برابری ندارد. رجالیون در مورد او چنین گفته اند:

و قال ابو زرعه: سیء الحفظ و قال الفلاس: حدث ابن مهدی عنه یحدث واحد... وعن احمد قال: کان الداروردی اذا حدث من حفظه یهم، لیس هو بشیء. و اذا حدث من کتابه فنعم. قال ابو حاتم. لا یحتج به.(۱)

«ابوزرعه می گوید: فراموش کار بوده و حافظه اش قوی نیست. فلاس می گوید: ابن مهدی تنها یک روایت از او نقل کرده است.

از احمد بن حنبل نقل گردیده است: دراوردی اگر از روی حافظه اش روایتی نقل کرد اعتبار ندارد و توجهی نمی شود.

ص:۷۹

۱- سیر اعلام النبلاء، ذهبی، ج۸، ص۳۶۸.

اما اگر از روی نوشته اش خواند، قبول می کنیم. ابو حاتم نیز می گوید: به روایاتش توجهی نمی شود.»

مزی نیز پس از ذکر سخن رجالیون اهل سنت، پیرامون این شخص، اشاره به کم حافظه بودن و اشتباه او در نقل روایت می کند.

وقال النسائی فیما قرأت بخطه: عبدالعزیز الدراوردی لیس بالقوی.

و قال محمد بن سعد:... کثیر الحدیث یغلط. و ذکره ابن حبان فی الثقات و قال: کان یخطیء(۱)

«نسائی می گوید: عبد العزیزی دراوردی، راوی قوی ای نیست و محمد بن سعد نیز چنین می گوید: روایات بسیار دارد و غلط در نقل او هست. ابن حبان نیز اگرچه او را راستگو دانسته اما می گوید: خطا در نقل حدیث دارد.»

وضعیت شریک بن عبدالله النخعی نیز همچون دراوردی بوده و اگرچه او را راستگو می دانند، اما دارای اشتباه در نقل حدیث معرفی کرده اند.

ذهبی در مورد او چنین می گوید:

علی لین ما فی حدیثه. توقف بعض الائمه عن الاحتجاج بمفاریده...

قال: ابراهیم بن سعید الجوهری: اخطأ شریک فی اربع مئه حدیث.

۱- تهذیب الکمال، مزی، ج۴، ص۵۲۸.

قال عباس:... کان یحیی القطان لا یحدث عن هذین. [اسرائیل وشریک]

قال معاویه بن صالح الأشعری... سألت احمد بن حنبل عن شریک، فقال: کان عاقلاً، صدوقا، محدثا، فقلت له: اسرائیل أثبت منه؟ قال: نعم. قلت له، یحتج به؟ قال: لا تسالنی عن رایی فی هذا. قلت: فاسرائیل یحتج به؟ قال: ای لعمری.

قال ابویعلی: سمعت ابن معین یقول: شریک ثقه الا انه یغلط و لا یتقن. و قال الدار قطنی: لیس شریک بقوی فیما ینفرد به.(۱)

«در حدیثش دچار اشتباه و تسامح است و برخی از ائمه حدیث، به روایت هایی که تنها او نقل کرده، توجه نمی کنند. ابراهیم بن سعید جوهری می گوید: شریک در چهار صد روایت اشتباه و خطا رفته است.

عباس می گوید: یحی القطان از اسرائیل و شریک، روایتی را نقل نمی کرد [و به آن ها اعتماد نداشت.]

معاویه بن صالح گوید: از احمد بن حنبل در مورد شریک سؤال کردم؟ او گفت: شریک محدثی عاقل و ثقه است. پس از او پرسیدم: آیا اسرائیل از او در نقل حدیث بهتر است؟ گفت: بله. به او گفتم: آیا به روایات شریک توجهی در استدلال کردن می شود؟ گفت: نظر مرا در این زمینه نخواهید. گفتم: آیا به روایت های اسرائیل استدلال می شود؟ گفت: بله.

ابویعلی گوید: یحی بن معین در مورد شریک چنین

۱- سیر اعلام النبلاء، ذهبی، ج۸، ص ۲۰۰.

می گفت: شریک ثقه است اما روایاتش اشتباه دارد و متقن نیست. دار قطنی هم گوید: شریک در نقل حدیث هایی که تنها او روایت کرده، مورد اعتماد نیست.»

گویا با توجه به این سخنان است که حاشیه نویسان برکتاب سیر اعلام النبلاء، در پذیرش روایات او تردید دارند و روایات او را ضعیف می دانند.(۱) ذهبی نیز سخنی قطعی در مورد او بیان نکرده و گویا در روایات او توقف می کند:

اقوالهم فیه کثیره و تکلموا فی سوء حفظه و اختلاطه و تشیعه و تدلیسه...

الحاصل انه مختلف فیه، و العلم عندالله تعالی، و یکتب حدیثه للإختبار...(۲)

«اقوال و نظرات مختلفی در مورد او وجود دارد و در نقل اشتباه روایات و کمی حافظه و تغییر دادن لفظ روایات، به او نسبت هایی داد اند.

در مجموع اختلاف در مورد او زیاد است و تنها خدا می داند که روایات او معتبر هست یا نه. روایات او برای کسب اطلاع از یک موضوع نوشته می شود اما حجیت آن محل بحث می باشد.

نکته ای که در کتاب سیر اعلام النبلاء از احمد بن حنبل

۱- ر. ک: سیر اعلام النبلاء، ذهبی، ج۱، ص۵۳۷ و ص۵۳۸؛ ج۴، ص۳۱، و ...، چاپ موسسه الرساله.

۲- من تکلم فیه و هو مؤثق، ذهبی، ج۱، ص۱۷۶، ش ۱۶۰.

نقل شده، جای تأمل دارد. احمد بن حنبل اگرچه شریک را ثقه می داند، اما در جواب به این سؤال که «آیا می توان به روایات او استدلال نمود؟» سکوت را ترجیح می دهد. و این مسئله، ناشی از اشتباهات شریک در نقل روایت است؛ به ویژه این که ذهبی به این مطلب، تصریح نموده که تعدادی از علمای رجال به روایت های او اعتنا نمی کنند.

در حاشیه تهذیب الکمال سخن تنی چند از علما را چنین آورده است:

قال عبد الله بن احمد: سالت ابی: ایما احب الیک شریک عن ابی اسحاق عن البهی، او زائده عن السدی عن البهی؟ قال: زائده عن السدی عن البهی احب الی وکان شریک لا یبالی کیف حدث

قال یعقوب بن سفیان: سئل ابو عبدالله احمد بن حنبل قیل: فشریک او اسرائیل؟ قال:... لیس علی شریک قیاس، کان یحدث الحدیث بالتوهم.

قال ابن سعد: کان شریک ثقه، مامونا، کثیراً الحدیث، و کان یغلط کثیراً.

و قال الترمذی شریک کثیر الغلط. قال ابن حجر فی التقریب: صدوق یخطیء کثیراً.(۱)

«عبد الله بن احمد گوید: از پدرم احمد بن حنبل پرسیدم که

۱- تهذیب الکمال، مزی، ج۳، ص۲۸۵ و ص۲۸۶.

طریق نقل شریک از ابی اسحاق از بهی برای شما اعتبار دارد و مقبول است یا زائده از سدی از بهی؟ ایشان پاسخ داد: زائده از سدی از بهی... چرا که شریک توجه ندارد که چگونه روایت را نقل می کند. یعقوب بن سفیان می گوید: از احمد بن جنبل پرسیدم که شریک بهتر است یا اسرائیل؟

پاسخ داد: اسرائیل... شریک در نقل حدیث گرفتار توهم و اشتباه می شود.

ابن سعد می گوید: اگرچه شریک ثقه است و روایت زیاد نقل نموده، لکن اشتباهاتش بسیار می باشد.

ترمذی نیز می گوید: شریک دارای اشتباهات بسیار در نقل حدیث می باشد و ابن حجر نیز همین سخن را دارد.»

با توجه به این که این روایت، بیش از دو طریق نداشته و در هر دو طریق، افرادی وجود دارد که به روایات آن ها با تردید نظر می شود ــ به ویژه اینکه روایات آن ها مشابهی در روایات دیگر محدثین ندارد ــ و همچنین، برخی علمای اهل سنت، همچون احمد بن حنبل، یحیی القطان، دار قطنی و ذهبی، به روایات این افراد توجهی نکرده و آن ها را قابل استدلال نمی دانسته‌اند تمسک به این روایات، سخت به نظر می آید و مطمئناً نمی تواند با روایاتی که حداقل زهرای مرضیه علیها السلام را هم رده با مریم بنت عمران می داند مقایسه نمود. لذا در مقام تعارض، قابلیت توجه را ندارند.(1)

۱- ر.ک: شرح التبصره و التذکره، الحافظ ابوالفضل العراقی، ص۲۰۰.

به ویژه اینکه در روایت شریک بن عبدالله، حضرت زهرا علیها السلام بعد از خدیجه و آسیه علیها السلام قرار داده شده و به یقین، این سخن اشتباه بوده و طرفداری میان اهل سنت و شعیان ندارد.

با این اوصاف، چگونه ممکن است روایات «بعد مریم بنت عمران» را پذیرفت، در حالیکه نه تنها اتقان سندی ندارد و در مورد برخی از راویان آن ها، مذمت هایی وارد شده است، بلکه با عقل، نقل و آیه ۴۲ آل عمران نیز سازگاری ندارند، و وجهی جهت ترجیح آنها بر روایات معارض دیده نمی شود. به علاوه اینکه در صورت پذیرش این روایت، همان لازمه باطلی که از قبول روایت «الا مریم» به وجود می آمد، در این جا نیز مطرح خواهد شد.

د. روایت «سیدات نساء أهل الجنه مریم بنت عمران ثم فاطمه بنت محمد ثم خدیجه ثم آسیه امرأه فرعون»

این روایت در کتاب های معتبر اهل سنت، همچون صحیح بخاری و مسلم ذکر نشده و اولین منبعی که آن را ذکر کرده، معجم الکبیر طبرانی است. این روایت در معجم الکبیر چنین آمده:

حدثنا علی بن عبد العزیز حدثنا الزبیر بن بکار حدثنی محمد بن حسن عن عبد العزیز بن محمد عن موسی بن عقبه عن کریب عن ابن عباس قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «سیدات نساء أهل الجنه مریم بنت عمران ثم فاطمه بنت محمد ثم خدیجه ثم آسیه امرأه فرعون» (۱)

«ابن عباس از پیامبر نقل کرده است: سرور زنان بهشتی، مریم بنت عمران، سپس فاطمه، سپس خدیجه و پس از آن ها آسیه است.»

در استیعاب نیز این چنین ذکر شده:

وذکر الزبیر عن «محمد بن حسین» عن الدراوردی، عن موسی بن عقبه عن کریب عن ابن عباس قال: قال رسول الله: «سیده نساء العالمین مریم ثم فاطمه ثم خدیجه ثم آسیه» (۲)

۱- معجم الکبیر، طبرانی، باب ذکر أزواج رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم منهن، مناقب خدیجه، ج۲۳، ص۷.

۲- الاستیعاب، ابن عبدالبر، باب ذکر خدیجه بنت خویلد علیها السلام، ج۲، ص۸۸.

البته باید توجه داشت که در سند کتاب استیعاب، اشتباه و تصحیفی صورت گرفته است؛ چرا که طبرانی در معجم الکبیر و ابن عساکر در تاریخ مدینه دمشق[(۱)] و تمامی کسانی که حدیث را از این منابع نقل نموده اند، پس از «زبیر» نام «محمد بن الحسن» را آورده و هیچ یک، محمد بن الحسین نگفته اند.

نگارنده پس از تفحص بسیار، به ویژه در کتاب معجم الکبیر، روایتی دیگر که در آن اشاره به لفظ «ثم فاطمه» شده باشد نیافت؛ اما نویسنده تفسیر السراج المنیر و کتاب اتحاف السائل، روایتی را از طبرانی نقل کرده اند که در آن، پس از نام مریم، «ثم خدیجه» و سپس «ثم فاطمه»، ذکر شده است. نویسندگان این کتب، این چنین به توجیه این روایت پرداخته اند:

فإن قیل: روی الطبرانی: «خیر نساء العالمین مریم بنت عمران ثم خدیجه بنت خویلد ثم فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ثم آسیه امرأه فرعون» أجیب: بأنّ خدیجه إنما فضلت فاطمه باعتبار الأمومه لا باعتبار السیاده.[(۲)]

«اگر گفته شود که طبرانی گفته است: برترین زنان عالم، مریم، سپس خدیجه و سپس فاطمه می باشد.[و نام فاطمه را از نظر رتبه و جایگاه، بعد از خدیجه ذکر کرده است]

ص:۸۷

۱- تاریخ دمشق، ابن عساکر، ج ۷۰، ص۱۰۷، بابی که در مورد مریم بنت عمران سخن می گوید.

۲- تفسیر السراج المنیر، محمد الشربینی، ذیل آیه ۴۲ آل عمران.

جواب می دهیم که تقدم خدیجه به جهت آن است که او مادر فاطمه می باشد، نه از این نظر که او مقامش بالاتر از فاطمه است.»

همین سخن را مناوی نیز بیان می کند:

أنها أفضل هذه الأمه: روی أحمد والحاکم والطبرانی عن أبی سعید الخدری - بإسناد صحیح مرفوعا - (فاطمه سیده نساء أهل الجنه إلا مریم). وفی روایه صحیحه: (إلا ما کان من مریم بنت عمران) فعلم أنها أفضل من أمها خدیجه وما وقع فی الأخبار مما یوهم أفضلیتها؛ فإنما هو من حیث الأمومه فقط. وعن عائشه - علی الصحیح - بل الصواب (۱)

زهرا علیها السلام برترین این امت است. احمد بن حنبل، حاکم و طبرانی، روایت های برتری ایشان را ذکر کرده اند. از این روایات، برتری زهرا بر مادر بزرگوارشان خدیجه نیز فهمیده می شود و اگر از برخی روایات، برتری خدیجه به مشام می رسد، از جهت مقام مادر بودن خدیجه است. و مقام ایشان مطمئناً برتر از عایشه می باشد.

به هر روی، برخی از اهل سنت، با توجه به کلمه «ثم»، چنین برداشت کرده اند که مراد از روایت، برتری مریم بنت عمران بر زهرای مرضیه علیها السلام می باشد.

اما قبل از بررسی متن روایت، لازم است که نکته ای در مورد سند

۱- اتحاف السائل بما لفاطمه من المناقب، مناوی، الباب الرابع فی خصائصها ومزایاها علی غیرها، ص۸۵.

آن متذکر شویم.

در تمامی سندهای روایت، نام «محمد بن الحسن» وجود دارد، که مراد از آن «محمد بن الحسن زباله» می باشد و این شخص در رجال اهل سنت، هیچ اعتباری ندارد و از این روی، روایت را غیر معتبر می دانیم. مزی در تهذیب الکمال ذیل نام او چنین می آورد:

محمد بن الحسن بن زباله، وهو محمد بن الحسن بن أبی الحسن القرشی المخزومی المدنی... قال معاویه بن صالح: قال لی یحیی بن معین: محمد ابن الحسن الزبالی والله ما هو بثقه.

وقال هاشم بن مرثد الطبرانی، عن یحیی بن معین: ابن زباله کذاب خبیث لم یکن بثقه ولا مأمون یسرق.

وقال البخاری: عنده مناکیر.

قال ابن معین: کان یسرق الحدیث.

وقال أحمد بن صالح المصری: کتبت عنه مئه ألف حدیث ثم تبین لی أنه کان یضع الحدیث فترکت حدیثه. وقال إبراهیم بن یعقوب الجوزجانی: لم یقنع الناس بحدیثه.وقال أبو زرعه: واهی الحدیث.

وقال أبو حاتم: واهی الحدیث، ذاهب الحدیث، ضعیف الحدیث، عنده مناکیر، منکر الحدیث.....

وقال أبو عبید الآجری: سمعت أبا داود یقول: کذابا المدینه: محمد بن الحسن بن زباله، ووهب بن وهب أبو البختری، بلغنی أنه کان یضع الحدیث باللیل علی السراج.

وقال النسائی: متروک الحدیث.

وقال فی موضع آخر: لیس بثقه ولا یکتب حدیثه.(۱)

«معاویه بن صالح می گوید: یحیی بن معین در مورد او چنین گفته است: قسم به خدا، محمدبن حسن مورد اطمینان و معتبر نیست.

همچنین هاشم بن مرثد از او نقل کرده است: محمدبن حسن بن زباله دروغگو، خبیث، غیر معتبر و راهزن حدیث است.

بخاری در مورد او می گوید: از او روایات خلاف واقع نقل شده است.

احمد بن صالح گوید: از او صد هزار حدیث نوشتم، اما پس از مدتی متوجه شدم که روایاتش جعلی است و آنها را رها کردم.

أبوزرعه گوید: او حدیث و سخن بیهوده نقل کرده. أبوحاتم گوید: او سخن بیهوده گفته، حدیثش ضعیف و دارای روایات خلاف واقع است.

نسائی گوید: روایاتش مورد قبول نیست و نوشته نمی شود.

همان گونه که ذکر شد، تمامی علما او را غیر موثق، دزد حدیث و دروغگو خطاب می کرده اند.

بنا بر قوانین علم حدیث، تکلیف این روایت، کاملاً مشخص است و اعتباری ندارد تا مورد استناد قرار گیرد؛ اما بسیار عجیب است که

۱- تهذیب الکمال، مزی، ج۶، ص۲۷۷.

چگونه قرطبی تأیید کلام خود را بر این روایت قرار داده و ادعا کرده که، این روایت «معتبر و حسن»، و طبق آن، مریم علیها السلام برتر از پاره تن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است.

کلام قرطبی چنین است:

...ثم بعدها فی الفضیله فاطمه ثم خدیجه ثم آسیه وکذلک رواه موسی بن عقبه عن کریب عن ابن عباس قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: (سیده نساء العالمین مریم ثم فاطمه ثم خدیجه ثم آسیه) وهذا حدیث حسن یرفع الإشکال وقد خص الله مریم بما لم تؤته أحدا من النساء...(۱)

«پس در فضیلت بعد از مریم، فاطمه، سپس خدیجه و پس از آن ها آسیه می باشد. و ابن عباس از رسول الله نقل کرده است که سرور زنان بهشتی، مریم، سپس فاطمه، سپس خدیجه و سپس آسیه می باشد. واین حدیث، حسن [و قابل اعتماد] است و اشکال برتری مریم بر زهرا را برطرف می نماید.»

و البته این سخن بسیار عجیب است، چراکه به دلیل ضعف در سند، علمایی مانند ابن حجر و عینی در شروح خود بر صحیح بخاری، در صحت این روایت تشکیک کرده و آن را غیرمعتبر دانسته اند.

و قد أورد ابن عبد البرّ من وجه آخر عن ابن عباس رفعه سیده

ص:۹۱

۱- تفسیر القرطبی، ج۴، ص۸۳، ذیل آیه ۴۲ آل عمران.

نساء العالمین مریم ثمّ فاطمه ثمّ خدیجه آسیه... قلت الحدیث الثانی الدال علی الترتیب لیس بثابت، و أصله عند أبی داود و الحاکم بغیر صیغه ترتیب.(۱)

«من (ابن حجر) می گویم: حدیث دوم (سیده نساء العالمین مریم ثمّ فاطمه ثمّ خدیجه ثمّ آسیه) که دلالت بر ترتیب بین افراد دارد، ثابت نشده است و اعتبار ندارد. و این حدیث را ابی داود و حاکم بدون کلمه (ثم) بیان کرده و آن را با (واو) آورده اند.»

... رواه النسائی وأبو یعلی وابن عساکر وروی الإمام أحمد من حدیث أبی سعید قال قال رسول الله فاطمه سیده نساء أهل الجنه إلا ما کان من مریم بنت عمران وهذا یدل علی أن فاطمه ومریم أفضل هذه الأربع ثم یحتمل الاستثناء أن تکون مریم أفضل من فاطمه ویحتمل أن تکونا علی السواء فی الفضیله لکن ورد حدیث إن صح عین الاحتمال الأول وهو ما روی أن ابن عباس قال قال رسول الله سیده نساء أهل الجنه مریم بنت عمران ثم فاطمه ثم خدیجه ثم آسیه امرأه فرعون رواه ابن عساکر فإن کان هذا اللفظ محفوظا بثم التی للترتیب فهو مبین لأحد الإحتمالین اللذین دل علیهما الاستثناء....(۲)

«نسائی، ابویعلی، ابن عساکر و احمدبن حنبل، روایتی نقل

ص:۹۲

۱- فتح الباری، ابن حجر، ج۷، ص۱۳۶، بَاب تزویج النَّبِی صلی اللَّه علیه وسلم خدیجه وفضلها.

۲- عمدهالقاری، بدر الدین عینی، ج۱۵، ص۳۰۹، باب قول الله تعالی وضرب الله مثلا للذین آمنوا امرأه فرعون إلی قوله وکانت من القانتین. ج۱۵.

کرده انـد که زهرا علیهـا السـلام برترین زنـان بهشتی است، اما مریم را اسـتثنا نموده انـد. و این روایت، دلالت دارد که مریم و زهرا علیهـا السـلام برترین زنـان عـالم هسـتند. اما اینکه مریم بنت عمران برتر است یا این روایت، دلالت بر تساوی مقام این دو دارد، محل بحث می باشد. البته حدیثی از رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که اگر صحیح و معتبر باشد، دلالت بر برتری مریم بنت عمران می کنـد. و آن روایـتی است که می فرمایـد: برترین زنـان بهشتی، مریم بنت عمران، سـپس فـاطمه، سپس خدیجه و سپس آسیه می باشد.»

در این جملات، صاحب عمـده القاری در مورد حـدیث، این تعبیر را به کار می برد «ان صـح»؛ اگر حـدیث صـحیح باشد» که اشاره به عدم اثبات اعتبار حدیث نزد او دارد.

همچنین می گوید: «فان کان هذا اللفظ محفوظا بثم؛ اگر صحیح باشد که متن ولفظ روایت را با (ثم) بدانیم نه با (واو)».

آنچه که از کلام ابن حجر و عینی آمد، کاملاً در ردّ مطلب، صراحت دارد و از این روی، تلاش مناوی(۱) و قرطبی برای معتبر و قابل

۱- بل روی ابن عبـد البر عن ابن عباس مرفوعا: (سـیده نساء العالمین مریم، ثم فاطمه، ثم خدیجه ثم آسـیه). قال القرطبی: وهذا حـدیث حسن یرفع الإشـکال من أصـله. قـول الحافـظ بن حجر: وقول الحافـظ بن حجر: إنه غیر ثـابت. إن أراد به نفی الصـحه الاصطلاحیه فمسلم؛ فإنه حسن لا صحیح. (اتحاف السائل، مناوی، الباب الرابع فی خصائصها و مزایاها علی غیرها، ص۸۶)

قبول نشان دادن روایت، کاری بیهوده است؛ چرا که ضعف سند بر کسی پوشیده نیست و همین مطلب، اعتبار روایت را از بین می برد.

همان طور که ابن حجر و عینی در کتب خود اشاره کرده اند و افرادی دیگر مانند ابن کثیر به آن پرداخته اند، ابو حاتم رازی نیز این حدیث را از ابن عباس آورده است که از نظر سند و متن با روایت طبرانی متفاوت می باشد؛ در حالی که هم سند روایت ابوحاتم رازی، دارای مشکل روایت طبرانی نیست و هم متن آن موافق عقل، نقل و قرآن می باشد وبنابر روایت ابو حاتم، مریم بنت عمران تنها یکی از چهار زن برگزیده است و بر زهرا علیها السلام برتری ندارد.

آنچه که ابن کثیر آورده، چنین است:

وقد روی هذا الحدیث أبو حاتم الرازی عن داود الجعفری عن عبدالعزیز بن محمد وهو الدراوردی عن ابراهیم بن عقبه عن کریب عن ابن عباس مرفوعا فذکره بواو العطف لا بثم الترتیبیه فخالفه اسنادا ومتنا فالله أعلم(۱)

این روایت را ابوحاتم رازی از داود جعفری از دراوردی از ابراهیم بن عقبه از کریب از ابن عباس نقل نموده و در آن به جای «ثم» از «واو» عاطفه استفاده نموده است و از نظر متن و اسناد با روایت طبرانی مخالفت دارد.

مراد از داود الجعفری در سند ابو حاتم رازی، داود بن عبدالله بن محمد

۱- البدایه والنهایه، ابن کثیر، ج۲ص۶۱ (ابن عساکر نیز این حدیث را در کتاب تاریخ دمشق، ج۷۰، ص۱۰۷، ح۱۳۸۰۵ ذکر نموده است).

می باشد، که در رجال اهل سنت، ثقه و مورد قبول معرفی شده است.

در مورد او چنین گفته اند:

قال الحسین بن إدریس الانصاری، عن عثمان بن أبی شیبه: حدثنا داود بن عبدالله، وهو ثقه.

وقال عبد الرحمان بن أبی حاتم: سئل أبی عن داود الجعفری وعبیس بن مرحوم

قال: داود أحب إلی، کان عنده، عن حاتم بن إسماعیل، مصنفات شریک نحو ثلاثین جزءا، وکان ثقه.

وذکره ابن حبان فی کتاب " الثقات ".(۱)

حسین بن ادریس از عثمان بن أبی شیبه نقل می کند که داود بن عبداله ثقه و معتبر است.

عبدالرحمن بن أبی حاتم گوید: از پدرم در مورد داود جعفری و عبیس پرسیدند، جواب داد: داود نزد من محبوب تر است و او را ثقه می دانم.

ابن حبان نیز او را از ثقات دانسته است.

در این جا دیگر نیازی به توجیه روایات معارض با یکدیگر دیده نمی شود؛ چرا که کلام ما واضح و ضعف استدلال قرطبی روشن است. اما اگر فرض را بر این بگذاریم که روایت «ثم فاطمه» اعتباری دارد، باید به دنبال حل تعارض و استفاده از وجه جمعی بین روایات بود و به گمان نگارنده، بهترین وجه جمع این است که بنابر قراین و تأیید

۱- تهذیب الکمال، مزی، ج۲، ص۴۱۸.

اصول نحوی، «ثم» را به معنای «واو» بگیریم؛ همان گونه که علمای علم نحو یکی از معانی «ثم» را، «واو عاطفه» دانسته اند.(۱) بنابراین باید بگوییم که معنای صحیح روایت، چنین است:

«برترین زنان بهشتی مریم و فاطمه و خدیجه و آسیه می باشند.»

طبق این برداشت، هیچ گونه برتری از دل متن برنمی آید.

ه. روایت «کمل من الرجال کثیر ولم یکمل من النساء الا مریم بنت عمران و آسیه امراه فرعون»

این، روایتی است که به استناد آن، نبی بودن مریم علیها السلام مطرح می شود و یکی از دلایل قائلین به نبوت مریم می باشد. در این کتاب، سعی نداریم که به صحت یا عدم صحت نبوت مریم علیها السلام بپردازیم، (اگر چه دلایل اثبات کنندگان این امر، بسیار ضعیف است)؛ بلکه تنها پس از بیان نمودن سخن برخی از علمای عامه، به تبیین روایت خواهیم پرداخت.

ذکر معناه قوله کمل بضم المیم وفتحها وکسرها ثلاث لغات والمراد من الکمال التناهی فی جمیع فضائل الرجال قوله ولم یکمل من النساء إلا آسیه امرأه فرعون ومریم بنت عمران وقد استدل بعضهم بهذا علی أن آسیه ومریم نبیتان لأن أکمل النوع

۱- النحو الوافی، عباس حسن، ج۳، ص۵۵۷، باب عطف نسق، ثم.

الإنسانی الأنبیاء ثم الأولیاء والصدیقون والشهداء(۱)

«مراد از کمال، دارا بودن تمامی فضائلی است که مردان از آن بهره مند هستند، برخی بنابر این حدیث _ که بیان می کند از میان زنان، آسیه و مریم به کمال رسیده اند _ این کمال را به معنای نبوت گرفته و مریم بنت عمران را نبی می دانند.»

ابن حجر چنین آورده است:

وقد نقل عن الأشعری أن فی النساء عده نبیات وحصرهن بن حزم فی ست حواء وساره وهاجر وأم موسی وآسیه ومریم وأسقط القرطبی ساره وهاجر ونقله فی التمهید عن أکثر الفقهاء وقال القرطبی الصحیح أن مریم نبیه وقال عیاض الجمهور علی خلافه ونقل النووی فی الأذکار أن الإمام نقل الإجماع علی أن مریم لیست نبیه وعن الحسن لیس فی النساء نبیه ولا فی الجن وقال السبکی الکبیر لم یصح عندی فی هذه المسأله شیء ونقله السهیلی فی آخر الروض عن أکثر الفقهاء.(۲)

«از اشعری نقل شده که در میان زنان، تعدادی نبی بوده اند و ابن حزم، این تعداد را ۶ نفر می داند؛ یعنی حواء، ساره، هاجر، ام موسی، آسیه و مریم. ولی قرطبی، ساره و هاجر را نبی نمی داند و می گوید: صحیح این است که مریم نبی بوده

ص:۹۷

۱- عمدهالقاری، عینی، ج۱۵، ص۳۰۹، باب قول الله تعالی وضرب الله مثلا للذین آمنوا امرأه فرعون إلی قوله وکانت من القانتین . لازم به ذکر است که یهودیان، اعتقاد به نبوت شش زن در میان انبیا دارند.

۲- فتح الباری، ابن حجر، ج۶، ص۴۷۱.

است. اما عیاض می گوید: اکثریت قریب به اتفاق علما مریم را نبی نمی دانند و نووی نیز می گوید: امام الحرمین، اجماعی را نقل کرده که مریم نبی نمی باشد و حسن بصری گوید: هیچ پیغمبری از میان زنان و اجنه نبوده است»

فخر رازی نیز در تفسیر خود، ذیل آیه ۴۲ آل عمران، نبی بودن مریم را رد می کند.

اما آنچه در مورد این روایت اهمیت دارد این است که متأسفانه بسیاری از علمای اهل سنت، حدیثی را که بخاری و دیگران تقطیع نموده و قسمتی از آن را حذف کرده اند، بدون بررسی در منابع دیگر، آورده و خود را به زحمت انداخته تا توجیهش کنند؛ در صورتی که همین حدیث با سند مشابه اما به طور کامل، در تفسیر طبری و منابع دیگر ذکر شده، و نام حضرت زهرا علیها السلام نیز در آن قید گردیده است:

حدثنی المثنی قال، حدثنا آدم العسقلانی قال، حدثنا شعبه قال، حدثنا عمرو بن مره قال، سمعت مره الهمدانی یحدث، عن أبی موسی الأشعری قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: کمل من الرّجال کثیرٌ، ولم یکمل من النساء إلا مریم، وآسیه امرأه فرعون، وخدیجه بنت خویلد، وفاطمه بنت محمد.(۱)

۱- ، تفسیر طبری، ج۶، ص۳۹۷، ذیل آیه ۴۲ آل عمران. همچنین ر.ک: تفسیر کشاف، زمخشری، ج۷، ص۹۹، ذیل آیه۱۱سوره تحریم؛ و می توان به تفاسیر الکشف والبیان، ابی السعود، بیضاوی و آلوسی نیز ذیل همان آیه و نیز الجامع الاصول من احادیث الرسول، ابن اثیر، باب مناقب وفضائل، ابو عبیده جراح، ح۶۶۶۹ مراجعه کرد.

«از رسول خدا نقل شده است که فرمودند: بسیاری از مردان به نهایت کمال دست یافتند و از میان زنان، تنها مریم، خدیجه، آسیه و فاطمه به نهایت کمال رسیدند.»

ابن حجر نیز در فتح الباری چنین می گوید:

وقد ورد فی هذا الحدیث من الزّیاده بعد قوله: ومریم ابنه عمران " وخدیجه بنت خوَیلد وفاطمه بنت محمد"(۱)

«در این حدیث، اضافه ای وجود دارد، و بعد از نام مریم بنت عمران، نام خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد آمده است.»

آنچه از روایت بر می آید این است که بنا بر این حدیث نیز نمی توان مریم علیها السلام را برتر از زهرا علیها السلام دانست. زیرا زمانی استدلال به روایت امکان پذیر بود، که نامی از زهرا علیها السلام برده نشده باشد، اما بنابر متن کامل این حدیث، چنین نیست و توجه نمودن به اصل حدیث ما را از توجیهات افرادی مانند ابن کثیر بی نیاز می کند.[ضمیمه۱]

۱- فتح الباری، ابن حجر، ج۱۰، ص۲۰۹، باب احادیث الانبیاء، ذیل آیه « ضرب الله مثلًا امرأه فرعون»، ش۳۱۵۹.

بخش چهارم: نقد و بررسی ادله برتری عایشه

اشاره

ص:۱۰۱

پیرامون فضیلت زهرا علیها السلام بر عایشه، مطالب متعددی نقل شده است؛ بنابراین، نیازی به بیان ادله نمی بینیم و تنها قسمتی از کلام آلوسی، ذیل آیه ۴۲ آل عمران را نقل می کنیم:

ومن هنـا [یعنی از جهت بضـعه بودن زهرا] یعلم أفضـلیتها علی عائشه رضـی الله تعالی عنها الـذاهب إلی خلافها الکثیر محتجین بقوله صـلی الله علیه و آله و سـلم: " خـذوا ثلثی دینکم عن الحمیراء " وقوله علیه الصـلاه والسـلام: " فضـل عـائشه علی النسـاء کفضـل الثریـد علی الطعـام " وبـأن عائشه یوم القیامه فی الجنه مع زوجها رسول الله و فاطمه یومئـذ فیها مع زوجها علی کرم الله تعالی وجهه، وفرق عظیم بین مقام النبی صلی الله علیه و آله و سلم و مقام علی کرم الله تعالی وجهه.

وأنت تعلم ما فی هذا الاسـتدلال وأنه لیس بنص علی أفضلیه الحمیراء علی الزهراء، أما أولاً: فلأن/ قصاری ما فی الحدیث الأول علی تقـدیر ثبوته إثبات أنها عالمه إلی حیث یؤخـذ منها ثلثا الـدین، وهذا لا یدل علی نفی العلم المماثل لعلمها عن بضـعته علیه الصلاه والسلام، ولعلمه أنها لا تبقی بعده زمناً معتداً به یمکن أخذ الدین منها فیه لم یقل فیها ذلک، ولو علم

لربما قال: خذوا كل دينكم عن الزهراء، وعدم هذا القول فى حق من دل العقل والنقل على علمه لا يدل على مفضوليته وإلا لكانت عائشه أفضل من أبيها رضى الله تعالى عنه لأنه لم يرو عنه فى الدين إلا قليل لقله لبثه وكثره غائلته بعد رسول الله على أن قوله عليه الصلاه والسلام: «إنى تركت فيكم الثقلين كتاب الله تعالى وعترتى لا يفترقان حتى يردا على الحوض» يقوم مقام ذلك الخبر وزياره كما لا يخفى كيف لا وفاطمه رضى الله تعالى عنها سيده تلك العتره؟!. وأما ثانياً: فلأن الحديث الثانى معارض بما يدل على أفضليه غيرها رضى الله تعالى عنها عليها، فقدأخرج ابن جرير عن عمار بن سعد أنه قال: قال لى رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: «فضلت خديجه على نساء أمتى كما فضلت مريم على نساء العالمين» بل هذا الحديث أظهر فى الأفضليه وأكمل فى المدح عند من انجاب عن عين بصيرته عين التعصب والتعسف لأن ذلك الخبر وإن كان ظاهراً فى الأفضليه لكنه قيل ولو على بعد: إن أل فى النساء فيه للعهد؛ والمراد بها الأزواج الطاهرات الموجودات حين الإخبار ولم يقل مثل ذلك فى هذا الحديث.

وأما ثالثاً: فلأن الدليل الثالث يستدعى أن يكون سائر زوجات النبى أفضل من سائر الأنبياء والمرسلين لأن مقامهم بلا ريب ليس كمقام صاحب المقام المحمود فلو كانت الشركه فى المنزل مستدعيه للأفضليه لزم ذلك قطعاً ولا قائل به وبعد هذا كله الذى يدور فى خلدى أن أفضل النساء فاطمه، ثم أمها، ثم عائشه بل لو قال قائل إن سائر بنات النبى صلى الله عليه و آله و سلم أفضل من عائشه

لا أری علیه بأساً.(۱)

«زهرا از جهت پـاره تن بودن برای رسول خـدا برتر از عایشه می باشـد. اما برخی اسـتدلال کرده انـد که بنابر حـدیث «دو سوم دینتـان را از حمیرا (عـایشه) بگیریـد» و یا قول رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و سـلم که فرمود: «برتری عایشه بر زنان، مانند برتری ثرید (نان خیس شده در آبگوشت) بر غذای معمولی است»، عایشه از زهرا علیها السلام برتر می باشد. و همچنین جهت برتری عایشه اسـتدلال کرده اند که عایشه در روز قیامت همراه با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خواهد بود، در حالیکه زهرا همراه با علی علیهما السـلام است و تفاوتی بزرگ میان مقام علی و رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و سـلم می باشـد. در حالی که می دانید، این استدلال ها برای برتری عایشه، منطقی نیست و دلیل محسوب نمی شود.

اما در جواب حـدیث اول، بایـد گفت: به فرض اینکه چنین روایتی وجود داشـته باشد، تنها ثابت می کند که عایشه دارای علم است و این مطلب، وجود علم برای فـاطمه علیهـا السـلام را نفی نمی کنـد. و اگر پیـامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم نفرمود که علوم دینتان را از زهرا علیها السلام بگیرید، برای این بود که می دانستند فاطمه پس از ایشان، مدت زیادی در دنیا نخواهد ماند و اگر ایشان در دنیا باقی می ماند چه بسا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرمودند که تمام دینتان را از زهرا بگیرید.

همچنین این مطلب دلالت بر افضل بودن عایشه ندارد، وگرنه باید گفت مقام عایشه از ابوبکر نیز بالاتر است؛ چون

ص:۱۰۴

۱- روح المعانی، آلوسی، ج۲، ص۱۴۹.

پیامبر این سخن را در مورد ابوبکر نفرموده است.

به علاوه، حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که فرمودند: «من در میان شما دو چیز گرانبها قرار دادم، قرآن و عترتم، و این دو از یکدیگر جدا نمی شوند تا در کنار حوض کوثر، نزد من جمع شوند» می تواند در برابر حدیث گرفتن دین از عایشه قرار گرفته و کسب دین از زهرا علیها السلام را ثابت کند، چرا که فاطمه، برترین زن خاندان اهل بیت علیهم السلام می باشد.

اما حدیث دوم که می گوید: «فضل عایشه بر زنان، مانند فضل ثرید بر غذای معمولی است»، با احادیثی که خدیجه را برتر از تمامی زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حتی عایشه معرفی می کنند، تعارض دارد.بلکه احادیثی مانند «خدیجه بر تمامی زنان امت من برتری دارد» دلالتی آشکار در برتری خدیجه بر عایشه دارند.

اما دلیل سوم که گفته اند عایشه در قیامت با پیامبر است و زهرا با علی، قابل قبول نیست؛ چرا که طبق این سخن باید مقام عایشه و دیگر زنان پیامبر را از انبیا نیز بالاتر دانست، در حالی که این، سخن صحیحی نمی باشد و کسی به این مطلب قائل نشده است.

پس از این سخنان، چنین می گویم که برترین زنان، فاطمه سپس خدیجه و پس از آنها عایشه می باشد و بلکه حتی دیگر دختران پیامبر نیز بر عایشه برتر هستند.»

در ادامه به اختصار، چند نکته را که لازم به ذکر است، بیان می کنیم.

۱) روایت «دو سوم دین خود را از حمیرا بگیرید» طبق نظر علمای اهل سنت، غیر معتبر و جعلی می باشد و هیچ گونه اعتباری ندارد.

ص:۱۰۵

سیوطی در این باره می گوید:

_ حدیث خذوا شطر دینکم عن الحمیراء، لم أقف علیه وقال الحافظ عماد الدین بن کثیر فی " تخریج أحادیث مختصر ابن الحاجب " هو حدیث غریب جدا، بل هو حدیث منکر، سألت عنه شیخنا الحافظ أبا الحجاج المزی فلم یعرفه، قال: ولم أقف له علی سند إلی الآن، وقال شیخنا الذهبی: هو من الأحادیث الواهیه التی لا یعرف لها إسناد انتهی لکن فی " الفردوس " من حدیث أنس: خذوا ثلث دینکم من بیت عائشه ولم یذکر له إسنادا(۱)

«به این حدیث دست نیافتم و ابن کثیر می گوید که این حدیث جعلی، است. همچنین مزی می گوید: سند این حدیث را نیافتم و ذهبی می گوید: این حدیث از جمله احادیث واهی و باطل می باشد که سندش معلوم نیست.»

یکی دیگر از علمای اهل سنت می گوید:

_ حدیث خذوا شطر دینکم عن هذه الحمیراء

وفی روایه نصف دینکم، ولم یوجد ذلک إلا لابن الأثیر فی النهایه بدون سند وأنکره المزی والذهبی کما قال ابن کثیر والمراد بالحمیراء عائشه -رضی الله عنها-(۲)

«ابن اثیر این حدیث را بدون سند آورده و مزی و ذهبی آن

ص:۱۰۶

۱- ۱. الدرر المنتثره فی الأحادیث المشتهره، السیوطی، حرف الخاء، ص ۷۰.

۲- اسنی المطالب فی احادیث مختلفه المراتب، محمد بن درویش بن محمد الحوت، حرف الخاء، ج۱، ص ۱۳۱.

را باطل می دانند.»

قال الملا علی القاری کل حدیث فیه ذکر الحمیراء لم یصح نحو خذوا شطر دینکم عن هذه الحمیراء

«ملاـ علی قاری حنفی اعتقاد دارد که این حدیث و تمام احادیثی که در آنها کلمه (حمیرا) بوده و حدیث مربوط به عایشه باشد، صحیح نیستند مانند روایتی که می گوید: اکثر دینتان را از حمیرا بگیرید.»(۱)

در کتب دیگر مانند المنار المنیف(۲)، المقاصد الحسنه(۳)، و النافله فی الاحادیث الضعیفه والباطله(۴) نیز به جعلی بودن این روایت اشاره شده است.

۲) اما در مورد حدیث «کفضل الثرید علی الطعام» باید گفت که این مطلب به تصریح علمای بزرگی از اهل سنت، فضلی برای عایشه محسوب نمی شود و به فرض اینکه آن را فضلی محسوب کنیم، طبق گفته آلوسی و دیگر علمای اهل سنت، این روایت توان مقابله با روایات متعدد و صریح در برتری زهرا صلی الله علیه و آله و سلم را ندارد.

مناوی می گوید:

وإن فضل عائشه علی النساء کفضل الثرید علی سائر الطعام) لا

ص:۱۰۷

۱- اسنی المطالب فی احادیث مختلفه المراتب، محمد بن درویش بن محمد الحوت، حرف الخاء، ج ۱، ص ۳۴۴.

۲- المنار المنیف، ابن قیم جوزی، ص ۶۱، فصل ۱۱.

۳- المقاصد الحسنه، سخاوی، ص ۱۰۸، حرف الخاء المعجمه.

۴- النافله فی الاحادیث الضعیفه و الباطله، ابواسحاق الجوینی، ص ۵۸، ش ۱۳۵.

تصریح فیه بأفضلیه عائشه علی غیرها(۱)

«این حدیث دلالتی در برتری عایشه بر دیگر زنان ندارد.»

عینی نیز چنین می گوید:

وان فضل عایشه رضی الله تعالی عنها علی النساء) ای علی نساء هذه الامه فی الفضیلهو لیس فیه ما یدل علی الافضلیه لانه (صلی الله علیه وسلم) شبه فضلها بفضل الثرید علی غیره من الطعام لما فیه من تیسیر المونه و سهوله الاساغه و کان اجل اطعمتهم یومئذ و کل هذه الخصال لا تستلزم الافضلیه لها من کل وجه (۲)

«این روایت دلالتی بر افضل بودن عایشه ندارد.»

ابن حبان نیز فاطمه علیها السلام را برتر از عایشه می داند و می گوید:

وقال ابن حبان الأفضلیه التی یدل علیها هذا الحدیث وغیره مقیده بنساء النبی حتی لا یقع بینه وبین قوله أفضل نساء إهل الجنه خدیجه وفاطمه تعارض ظاهرا»(۳)

«برتری مطرح شده در این روایت برای عایشه، نسبت به زنان پیامبر ا ست، نه خدیجه و فاطمه»

۳. همان گونه که در کلام آلوسی آمد، به فرض که در قیامت

ص:۱۰۸

۱- التیسیر بشرح جامع الصغیر، مناوی، حرف الکاف، ج۲، ص۲۲۳.

۲- عمدهالقاری، عینی، باب قول لله تعالی و ضرب مثلا للذین امنوا امراه فرعون، ج۱۵، ص۳۰۹.

۳- عمدهالقاری، عینی، باب فضل عایشه، ج۱۶ص ۲۵۰. همچنین ر.ک: فتح الباری، ابن حجر، ج۱۱، ص۷۲، باب فضل عایشه، ش۳۴۸۵.

عـایشه همراه بـا پیـامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم باشـد، باز هم این مطلب، دلالت بر برتری او نمی کنـد. این کلام در بیانات دیگر علمای اهل سنت نیز وجود دارد.

همانگونه که ابن ملقن، دیدگاه خود و ابن دحیه را چنین بیان می کند:

نعم هی لاـ توجب التفضـیل، قـال ابن دحیه فی کتـاب مرج البحرین ذکر بعض الجهله ان عایشه افضل من فاطمهو اسـتدل علی ذلک انها عند علی فی الجنه و عایشه عند رسول الله قال و هذا لا یوجب التفضیل(۱)

«همراهی عایشه با پیامبر در بهشت دلالت بر فضیلت و برتری او ندارد. همچنان که ابن دحیه در کتاب مرج البحرین می گوید: برخی از جاهلاـن فکر کرده انـد عـایشه برتر از زهرا است و دلیلشـان را همراهی عـایشه بـا پیامبر قرار داده انـد، در حالیکه این مطلب دلیل برتری عایشه نیست.»

همچنین بایـد اضافه نمود، با توجه به روایتی که در بخش اول کتاب آوردیم و علمای اهل سـنت تصـریح به صـحیح بودن آن نموده اند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و زهرا علیها السلام در بهشت، همراه و هم مکان هستند.

به هر حال، آنچه که از متون عامه به دست می آیـد این است که نه تنها مقام صدیقه طاهره علیها السـلام پایین تر از مریم بنت عمران و عایشه نمی باشد، بلکه به تصریح و اشاره روایات، برترین بانوی دو عالم هستند.

ص:۱۰۹

۱- غایه السؤول فی خصائص الرسول، ابن ملقن، ج ۱، ص۲۳۲.

نتیجه

اگر جه برخی از علمای اهل سنت همچون قرطبی تلاش می کنند تا با استناد به آیه ۴۲ آل عمران و برخی روایات، جایگاه ویژه ای برای مریم بنت عمران در مقایسه با حضرت زهرا علیها السلام قائل شوند، اما آیه فوق و روایات مورد ادعا، یا داری ضعف سندی هستند و یا دلالت بر برتری مریم بنت عمران بر بانوان عصر خود دارد.

روایات مورد ادعا پیرامون برتری عایشه نیز یا جعلی اند و یا اینکه به تصریح علمای اهل سنت، هیچ دلالتی بر فضل عایشه و برتری او بر زهرا علیها السلام ندارند.

در حقیقت، با توجه به توجیه این روایات و ادله محکمی که دلالت بر عظمت مقام حضرت زهرا علیها السلام دارد، انتظار می رود که در پذیرش عصمت حضرت زهرا علیها السلام و تأملی نو در قصه فدك و خلافت علی علیه السلام راه انصاف را بپیماییم. ان شاء الله

در پایان بجاست که هر محقق منصفی، این سؤالات را از خود پرسیده و در جواب آنها دقت نماید:

۱) اگر زهرای مرضیه علیها السلام برتر از مریم علیها السلام است، آیا نباید خصوصیاتی مانند عصمت و طهارت را- که علمای اهل سنت از ویژگی های مریم می دانند- برای ایشان نیز در نظر گرفت؟!

۲) اگر طبق روایات صریحه، ایشان اولین داخل شونده در بهشت هستند و مقام برتری بر زنان عالمین دارند، پس چگونه است که با اعتقاد به ولایت غصب شده علی علیه السلام از دنیا می روند و تا لحظه شهادتشان، ولایت خلیفه اول را نمی پذیرند؟!

۳) اگر بنابر روایات صحیحه آزار ایشان آزار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد، و طبق بیان قرآن، آزار پیامبر آزار خداست و در دنیا وآخرت لعن ملائک را برای آزار دهنده، به دنبال دارد، پس چگونه است که خلیفه اول و دوم چنان ایشان را آزار می دهند که پس از آن، برای عذر خواهی به درب خانه ایشان می روند؟! و بنا به نقل بخاری، ایشان بر خلیفه اول غضب نموده و با دلی آزرده از او نزد پدر بزرگوارشان رفتند؟ [ضمیمه ۱]

۴) اگر بنا به نقل عایشه، پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کسی راستگو تر از حضرت زهرا علیها السلام نبود و بنا بر حدیث ثقلین، او همراه با قرآن می باشد، پس چگونه است که با وجود اینکه ایشان، فدک را حق خود

می دانست، اما خلفا در بازگردانـدن آن مخالفت می کردنـد؟ آیا زهرا علیها السـلام (نعوذ بالله) دروغ می گفت که فدک حق اوست؟!

۵) اگرایشان از آزار فرزندان خود ناراحت شده و ناراحتی او آزار پیامبر و خداست، آیا از معاویه، یزید و امویان به خاطر آزار و سبّ همسر و فرزندانش، رنجیده خاطر نمی شود؟!

۶) آیا ایشان از افرادی که در طول تاریخ به همسـر عزیز و فرزندان صالحش، سب و دشـنام دهند _ مانند حریز بن عثمان ها _ نزد خدای متعال، شـکایت نخواهد کرد؟! در حالیکه همین افراد، توسط رجالیون اهل سنت، افرادی ثقه و مورد اطمینان شمرده می شوند؟؟!! [ضمیمه۲]

ص:۱۱۲

ضمیمه های بخش اول

ضمیمه۱. در مورد روایت «اول من یدخل الجنه...»، ذهبی اعتقاد دارد که این روایت، ضعیف می باشد؛ اما با بررسی در رجال اهل سنت نمی توان این سخن ذهبی را به راحتی پذیرفت. آن افرادی که مورد اتهام او قرار گرفته اند «اسماعیل بن عمرو، اجلح بن عبدالله و عاصم بن ضمره» می باشند که علیرغم اینکه برخی رجالیون، آنها را ضعیف شمرده اند، اما بسیاری از علما نیز آن ها را ثقه و صدوق معرفی کرده اند.

- اسماعیل بن عمرو:

«ذکره البستی فی کتاب الثقات، وهو الذی ذکره ابن حبَّان فی "الثقات"وذکره الذهبی فی الطبقه الثالثه والعشرین من تاریخ الاسلام،

ص:۱۱۳

وَقَال: الکوفی نزیل أصبهان وشیخها ومسندها سمع مسعر بن کدام و.. وکان ثقه صاحب حدیث وذکر مثل هذا فی المیزان. فلو کانت لمسلم روایه عنه لذکرها مثل هؤلاء الاعلام، والله أعلم.

« بستی این فرد را معتبر و ثقه دانسته و ابن حبان نیز نام او را در کتاب ثقات خود آورده است. ذهبی نیز در مورد او می گوید: او ثقه و صاحب حدیث می باشد.»(۱)

- اجلح بن عبدالله:

وَقَال عَباس الدّوری، عن یحیی بن مَعین: ثقه. وَقَال أحمد بن عَبد الله العجلی: کوفی ثقه. وَقَال أبو أحمد بن عدی: له أحادیث صالحه، یروی عنه الکوفیون وغیرهم، ولم أجد له حدیثًا منکرا مجاوزا للحد، لا إسناداً ولا متنا.

إلا أنه یعد فی شیعه الکوفه، وهو عندی مستقیم الحدیث صدوق.

قال عَمْرو بن علی: مستقیم الحدیث

۱- تهذیب الکمال، مزی، ج۳، ص۱۶۱.

صدوق.(۱)

«یحیی بن معین او را ثقه می داند. احمد بن عبدالله عجلی نیز او را ثقه می داند. احمد بن عدی گوید: روایات صحیحی دارد و روایت دروغین از او ندیدم. عمروبن علی نیز گوید: راستگو و دارای روایت صحیح است.»

- عاصم بن ضمره

وَقَال أحمد بن عَبد الله العجلی، وعلی بن المدینی: ثقه. وَقَال النَّسَائی: لیس به بأس. وَقَال ابن طهمان، عن یحیی: ثقه شیعی. وَقَال التّرْمذی: ثقه عند أهل الحدیث وذَکره ابن شاهین فی "الثقات"، وَقَال البزار: هو صالح الحدیث. وَقَال ابن حجر فی "التقریب": صدوق. (۲)

«احمد بن عبدالله و علی بن مدینی او را ثقه می دانند. نسائی گوید: مشکلی ندارند. یحیی بن معین گوید: ثقه است. ترمذی نیز او را معتبر می داند و ابن شاهین و بزار و ابن حجر نیز او را ثقه و راستگو شمرده اند.»

۱- تهذیب الکمال، مزی، ج۲، ص۲۷۵، ذیل همین نام
۲- تهذیب الکمال، ج۴، ص۱۰.

بـا توجه به این مطـالب، نمی توان به تضـعیف امثـال ذهبی توجه نمود، مخصوصـاً اینکه یکی از دلایـل ایشان این است که این روایت به دل نمی نشـیند؟! شخصـیت حاکم نیشابوری نیز در حـدیث و رجال، جایگاهی بسـیار والا در میان علمای اهل سـنت دارد و به راحتی نمی توان از بررسی های رجالی او گذر نمود و در مورد او چنین می گویند:

«محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدویه بن نعیم بن الحکم. الإمام، الحافظ، الناقد، العلامه، شیخ المحدثین، أبوعبد الله بن البیع، الضّبی، النیسابوری، الشافعی، صاحب التصانیف.

أدرک الأسانید العالیه بخراسان، والعراق، وماوراء النهر، وسـمع من نحو ألفی شـیخ. صـنّف وخرَّج ورجَّح وصحَّح وعدَّل، وکان من بحور العلم. کـان إمـام عصـره فی الحـدیث، العارف به حق معرفته، صالحاً ثقه. قال الحاکم: شـربت ماء زمزم وسألت الله أن یرزقنی حسن التصنیف. قال ابن عساکر: وقع من

تصانیفه المسموعه فی أیدی الناس ما یبلغ ألفاً وخمسمائه جزء. وکان سفیرًا لملوک بنی بویه وقد أحسن السفاره بینهم وبین السامانیین. ومن تصانیفه: المستدرک علی الصحیحین؛ تاریخ نیسابور؛ علوم الحدیث؛ المدخل؛ والإکلیل وغیرها.»(۱)

زرکلی نیز در الاعلام چنین می گوید: من أکابر حفاظ الحدیث والمصنفین فیه. و هو من أعلم الناس بصحیح الحدیث وتمییزه عن سقیمه

«حاکم نیشابوری از بزرگان حافظ حدیث و مؤلفین روایت بوده و او از داناترین مردم به تشخیص روایات صحیح از غیر صحیح می باشد.(۲)

۱- ن.ک: تذکره الحفاظ، ذهبی، ج۳، ص۱۶۲؛ سیر اعلام النبلاء، ذهبی، ج۱۷، ص۱۶۳.

۲- الأعلام، زرکلی، ج۶، ص۲۲۷.

ضمیمه های بخش دوم

ضمیمه۱. کتاب های زیادی توسط علمای اهل سنت و شیعه در این باره نوشته شده است که از جمله آن ها الغدیر علامه امینی، عبقات الانوار به همراه اضافات آیت الله میلانی، سلسله کتب آیت الله میلانی، با عنوان سلسله پژوهش های اعتقادی است. همچنین خوانندگان عزیز را به مشاهده سایت اینترنتی www. al-haqaeq. Org و www. valiasr-aj. com دعوت می نماییم.

ضمیمه۲. در بحث حمله به خانه زهرا علیها السلام می توان به این کتب مراجعه نمود:

یاس در آتش (آیت الله سبحانی، با ترجمه سید ابو الحسن عمرانی)، مظلومیت برترین بانو (آیت الله سید علی میلانی) و... همچنین به سایت های قبلی نیز می توان مراجعه نمود.

*** از نظر شیعیان، مقام حضرت علی علیه السلام از زهرا علیها السلام بالاتر است؛ چرا که ایشان امام، و فاطمه مأموم می باشد. و اگر زهرا علیها السلام پاره تن نبی است، علی علیه السلام به تعبیر قرآن در آیه مباهله، نفس و تمام جان پیامبر

می باشد.

ص:۱۱۹

ضمیمه های بخش سوم

ضمیمه ۱. در باره آن روایت، ابن کثیر و طحاوی چنین گفته اند:

- فإنه حدیث صحیح کما تری اتفق الشیخان علی اخراجه ولفظه یقتضی حصر الکمال فی النساء فی مریم وآسیه ولعل المراد بذلک فی زمانهما فإن کلا منهما کفلت نبیا فی حال صغره فآسیه کفلت موسی الکلیم ومریم کفلت ولدها عبدالله ورسوله فلا ینفی کمال غیرهما فی هذه الأمه کخدیجه وفاطمه فخدیجه خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قبل البعثه خمسه عشر سنه وبعدها ازید من عشر سنین وکانت له

ص:۱۲۰

وزير صدق بنفسها ومالها رضى الله عنها وأرضاها وأما فاطمه بنت رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم فإنها خصت بمزيد فضيله على اخواتها لأنها أصيبت برسول الله صلى الله عليه و آله و سلم وبقيه أخواتها متن فى حيات النبى(۱)

ما قدحدثنا إبراهيم بن مرزوق ثنا وهب بن جرير ثنا قبيصه عن شعبه عن عمرو بن مره عن مره يعنى ابن شراحيل عن أبى موسى قال قال رسول الله عليه السلام كمل من الرجال كثير ولم يكمل من النساء إلا مريم بنت عمران وآسيه امرأه فرعون وإن فضل عائشه على النساء كفضل الثريد على سائر الطعام قيل له قد يحتمل أن يكون ما فى هذا الحديث كان قبل بلوغ فاطمه واستحقاقها الرتبه التى ذكرها رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم بها فعاد بحمد الله جميع ما رويناه فى هذا الباب إلى أن لا تضاد فيه ولا إيجاب كشف معانيه عما

۱- البدائه و النهايه، ابن كثير، ج۲، ص۶۱۹.

ذکر مما یوجبه وأن کل فضل ذکر لغیر فاطمه مما قد یحتمل أن تکون فضلت به فاطمه محتملا لأن یکون وهی یومئذ صغیره ثم بلغت بعد ذلک فصارت بالمکان الذی جعلها الله تعالی به وذکرها به واختصها بما اختصها به فیه علی لسان رسوله صلی الله علیه و آله و سلم والله سبحانه وتعالی نسأله التوفیق.(۱)

۱- مشکل الاثار، طحاوی، ج۱، ص۱۵۴، ش ۱۳۰.

ضمیمه های بخش چهارم

ضمیمه ۱. در باره غصب فدک و آزردگی حضرت زهرا علیها السلام از خلیفه اول، درکتب اهل سنت چنین آمده است:

* حدثنا یحیی بن بکیر حدثنا اللیث عن عقیل عن ابن شهاب عن عروه عن عائشه

أن فاطمه علیها السلام بنت النبی صلی الله علیه و آله و سلم أرسلت إلی أبی بکر تسأله میراثها من رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مما أفاء الله علیه بالمدینه وفدک وما بقی من خمس خیبر فقال أبو بکر إن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال (لا نورث ما ترکنا صدقه انما یأکل آل محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - فی هذا المال).

ص:۱۲۳

وإنی والله لا أغیر شیئا من صدقه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم عن حالها التی کانت علیها فی عهد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ولأعملن فیها بما عمل به رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم . فأبی أبو بکر أن یدفع إلی فاطمه منها شیئا فوجدت فاطمه علی أبی بکر فی ذلک فهجرته فلم تکلمه حتی توفیت وعاشت بعد النبی صلی الله علیه و آله و سلم سته أشهر فلما توفیت دفنها زوجها علی لیلا ولم یؤذن بها أبا بکر وصلی علیها...(۱)

«عایشه گوید: فاطمه علیها السلام طلب میراث خود (فدک) را از ابوبکر نموده ابوبکر بهانه تراشید و آن را به فاطمه علیها السلام نداد. پس از این ماجرا، فاطمه علیها السلام بر ابوبکر غضب نموده و تا زمان وفاتش با ابوبکر سخن نگفت.»

ضمیمه۲. در باره حریز بن عثمان در کتب رجال اهل سنت چنین آمده است: حدّثنا أحمد بن أبی یحیی قال:

۱- صحیح بخاری، ج۳، ص ۸۰، ش ۴۲۴۰؛ کتاب المغازی، باب غزوه خیبر؛ صحیح مسلم، ص۶۹۸، کتاب الجهاد، باب قول النبی صلی الله علیه و آله و سلم «لانورث ماترکن فهو صدقه»

سمعت أحمد بن حنبل يقول: حديث حريز نحو من ثلاث مئه، وهو صحيح الحديث، إلا أنه يحمل على على.

وقال أحمد بن عبد الله العجلى: شامى، ثقه، وكان يحمل على على.

وقال عمْرو بن على: كان ينتقص عليا وينال منه وقال فى موضع آخر: ثبت شديد التحامل على على

وقال الخلال أيضا: حدّثنا عمْران بن أبان، قال: سمعت حريز بن عثمان يقول: لا أحبه، قتل آبائى يعنى عليا.

وقال أحمد بن سعيد الدارمى، عن أحمد بن سليمان المروزى: حدّثنا إسماعيل بن عياش، قال: عادلت حريز بن عثمان من مصر إلى مكه فجعل يسب عليا ويلعنه.

وقال محمد بن عمْرو العقيلى: حدّثنا محمد بن أيوب بن يحيى بن الضريس، قال: حدّثنا يحيى بن المغيره قال: ذكر جريرأن حريزا كان يشتم عليا على

المنابر.(۱)

«احمـد بن حنبل گوید: حریز روایات درستی دارد؛ اما او بر علی علیه السلام سـخن ناروا می گفت. احمد بن عبدالله عجلی نیز می گویـد: معتبر است در حالیکه بر علی علیه السلام سـخن ناروا می گفت. عمروبن علی گویـد: او بر علی علیه السـلام نقص وارد کرده و او را مـذمت می کرد. در جای دیگر گویـد: نسـبت به علی علیه السـلام بسـیار متعصب بود. عمران بن ابان گوید: شنیدم که حریز بن عثمان می گوید: علی علیه السلام را دوست ندارم، چون او اجداد مرا کشته است.

همچنین احمد بن سعید دارمی و محمد بن عمرو عقیلی گویند: حریز بن عثمان بر علی علیه السلام دشنام می داد و ایشان را بر روی منبر لعن می کردند.

ص:۱۲۶

۱- تهذیب الکمال، مزی، ج۲، ص۸۹.

کتابنامه

۱. قرآن مجید

۲. ابوالفضل العراقی، شرح التبصره و التذکره، المحقق یاسین الفحل، بی تا، بی جا

۳. احمد بن شعیب نسائی، سنن الکبری، تحقیق عبدالغفار سلیمان البنداری، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۱ق.

۴. احمد بن عبدالله ابی نعیم اصبهانی، معرفه الصحابه، تحقیق عادل بن یوسف العزازی، دار الوطن بالریاض، ۱۴۱۹ ق.

۵. أحمد بن علی ابن حجر العسقلانی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، تحقیق محب الدین الخطیب، دار المعرفه بیروت، ۱۳۷۹ق.

۶. احمد بن عمرو بن الضحاك ابوبکر شیبانی (ابن ابی عاصم)، الآحاد و المثانی، دار الرایه، ریاض، ۱۴۱۱ق.

۷. احمد بن محمد (ثعلبی)، تفسیر الکشف والبیان، دار احیا التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲ق.

۸. احمد بن محمد ابن عجیبه، تفسیر البحر المدید، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۲ م.

۹.احمد زینی دحلان، السیره النبویه والاثار المحمدیه، در حاشیه کتاب السیره الحلبیه، علی بن برهان الدین الحلبی الشافعی، مطبعه مصطفی محمد صاحب مکتبه التجاریهالکبری بمصر، بی تا

۱۰.احمدبن حسین البیهقی، السنن الکبری، برگرفته از نرم افزار مکتبه الشامله

۱۱.احمدبن محمد الطحاوی، مشکل الآثار، تحقیق شعیب الارنؤوط، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۱۵

۱۲.اسعد حومد، تفسیر ایسر التفاسیر، مصحح محمد متولی الشعراوی، دمشق،۱۹۹۰م

۱۳.اسماعیل بن عمرو (ابن کثیر دمشقی)، تفسیر القرآن، دار المکتبه الهلالی، ۲۰۰۷ م.

۱۴.اسماعیل بن عمرو (ابن کثیر)، البدایه و النهایه، مکتبه المعارف، بیروت، بی تا

۱۵.بدر الدین العینی، عمده القاری شرح صحیح البخاری، دار احیا التراث العربی، بیروت، بی تا

۱۶.الجوینی الخراسانی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطین، موسسه محمودی، بیروت لبنان، ۱۳۹۸ ق.

۱۷.حسن بن محمدبن حسین نیسابوری، تفسیر النیسابوری، شرکت مکتبه ومطبعه مصطفی البابی الحلبی، ۱۳۸۱ ق.

۱۸.حسن عباس حسن، النحو الوافی، انتشارات ناصر خسرو، چاپ ششم، ۱۴۲۲ ق.

۱۹.سلیمان بن احمد طبرانی، معجم الاوسط، تحقیق طارق بن عوض، عبدالمحسن بن ابراهیم، دارالحرمین، قاهره، ۱۴۱۵ ق.

۲۰.سلیمان بن احمد طبرانی، معجم الکبیر، تحقیق حمدی بن عبدالمجید السلفی، موصل، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.

۲۱.سلیمان بن أشعث، سنن أبی داود، دار ابن حزم، ۱۴۱۸ ق.

ص:۱۲۸

۲۲.عبدالحق بن غالب بن عطیه، تفسیر المحرر الوجیز، دار الکتب العلمیه، لبنان، ۱۴۱۳ ق.

۲۳.عبدالرؤوف بن علی المناوی، اتحاف السائل بمالفاطمه من المناقب، تحقیق عبداللطیف عاشور، مکتبه القران، قاهره، بی تا

۲۴.عبدالرؤوف بن علی المناوی، التیسیر بشرح جامع الصغیر، مکتبه الامام الشافعی، الریاض، چاپ سوم، ۱۴۰۸ ق.

۲۵.عبدالرؤوف بن علی مناوی، فیض القدیر، المکتبه التجاریه الکبری، مصر، ۱۳۵۶ ش.

۲۶.عبدالرحمن بن أبی بکر السیوطی، تفسیر الدر المنثور، دار الفکر، بیروت، ۱۹۹۳ م

۲۷.عبدالرحمن بن أبی بکر سیوطی، الدرر المنتثره فی الاحادیث المشتهره، تحقیق محمد الرنؤوط، محمد بدر الدین القهو جی، مکتبه دارالعروبه کویت، ۱۴۰۸ ق.

۲۸.عبدالرحمن، ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن، تحقیق اسعد محمد طیب، المکتبه العصریه، صیدا

۲۹.عبدالرحمن بن عبدالله السهیلی، الروض الأنف فی شرح السیره النبویه لابن هشام، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۱ق.

۳۰.عبدالرحیم بن عبدالکریم القشیری، تفسیر القشیری، دار الکتب العلمیه، بیروت، بی تا

۳۱.عبدالله بن عباس، تنویر المقباس من تفسیر ابن عباس، دار الکتب العلمیه، لبنان، بی تا

۳۲.عبدالله بن عمر بیضاوی، تفسیر انوار التنزیل و اسرار التاویل، دار الفکر، بیروت، بی تا

۳۳.عبدالله بن محمد، ابن ابی شیبه، مصنف فی الاحادیث والآثار، تحقیق کمال یوسف الحوت، مکتبه الرشد، ریاض، ۱۴۰۹ ق.

۳۴.عبدالله بن یوسف ابن هشام، مغنی اللبیب عن کتب الاعاریب.

ص:۱۲۹

۳۵.علی بن ابی بکر الهیثمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دار الفکر بیروت، ۱۴۱۲ ق.

۳۶.علی بن احمد الواحدی، الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، تحقیق صفوان عدنان، دار القلم، دار الشامیه، دمشق، بیروت، ۱۴۱۵ ق.

۳۷.علی بن حسن بن هبه الله (ابن عساکر)، تاریخ مدینه دمشق، دار الفکر، بیروت لبنان، ۱۴۱۹ ق.

۳۸.علی بن سلطان محمد القاری، مرقاه المفاتیح شرح مشکاه المصابیح، دار الکتب العلمیه، لبنان، ۱۴۲۲ ق.

۳۹.علی بن محمد بن حبیب (ماوردی)، تفسیر النکت والعیون، دار الکتب العلمیه موسسه الثقافیه، بی تا، بی جا

۴۰.عمر بن احمد ابن شاهین، جزء فیه فضائل فاطمه، تحقیق ابی اسحاق الحوینی، المکتبه التربیه الاسلامیه لاحیاء التراث اسلامی، ۱۴۱۱ ق.

۴۱.عمر بن علی الانصاری الشهیر بابن ملقن، غایه السؤول فی خصائص الرسول، دارالبشائر الاسلامیه، بیروت، ۱۴۱۴ ق.

۴۲.مبارک بن محمد الجزری (ابن اثیر)، جامع الاصول من احادیث الرسول، حققه محمد حامد، دار احیاالتراث العربی، بیروت، لبنان.

۴۳.محمد بن ابراهیم بن حسان، سلسلهمصابیح الهدی، www. islam port. Com.

۴۴.محمدبن أبی بکر الحنبلی (ابن القیم الجوزی)، المنار المنیف فی الصحیح و الضعیف، مکتب المطبوعات الإسلامیه، حلب، ۱۴۰۳ق.

۴۵.محمد بن احمد الشربینی، تفسیر السراج المنیر، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۵ ق.

۴۶.محمد بن احمد بن أبی بکر قرطبی، تفسیر الجامع لاحکام القرآن، دار الکاتب العربی للطباعه و النشر، چاپ سوم، ۱۳۸۷ ش.

۴۷.محمد بن احمد بن عثمان ذهبی، سیر اعلام النبلا، تحقیق الکتاب شعیب الارنووط، موسسه الرساله، بیروت لبنان، چاپ یازدهم، ۱۴۲۲ ق.

۴۸.محمد بن الحسین الآجری، الشریعه، مؤسسه القرطبه، ۱۴۱۷ ق.

۴۹.محمد بن جریر طبری، تفسیر الطبری، حققه وعلقا حواشیه محمود حمد شاکر، دار المعارف بمصر، بی تا

۵۰.محمد بن درویش بن حوت، اسنی المطالب فی احادیث مختلفه المراتب، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۸ق.

۵۱.محمد بن طلحه الشافعی، مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول، موسسه البلاغ، بیروت، لبنان، ۱۴۱۹ ق.

۵۲.محمد بن عبدالرحمن المبارکفوری، تحفه الاحوذی بشرح جامع الترمذی، دار الکتب العلمیه، بیروت، بی تا

۵۳.محمد بن عبدالرحمن السخاوی، المقاصد الحسنه فی بیان کثیر من الأحادیث المشتهره علی الألسنه، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۵ق.

۵۴.محمد بن عبدالله بن حکم (حاکم النیسابوری)، المستدرک علی الصحیحین مع تعلیق ذهبی، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۱ق.

۵۵.محمد بن علی الشوکانی، فتح القدیر، دارالفکر، بیروت، بی تا

۵۶.محمد بن عمرو بن احمد زمخشری، تفسیر الکشاف، مکتبه الاستقامه بالقاهره، ۱۹۴۶م.

۵۷.محمد بن عمرو بن حسین (فخر رازی)، تفسیر الکبیر، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۱

۵۸.محمد بن عیسی الترمذی، الجامع الصحیح سنن الترمذی، الاحادیث المزیله باحکام الآلبانی علیها، تحقیق احمد محمد شاکر، دار احیا التراث العربی، بیروت، بی تا.

۵۹.محمد بن یوسف الصالحی الشامی، سبل الهدی و الرشادفی سیرهخیر العباد، حققه عبدالمعزعبدالحمید الجزار، وزاره الاوقاف جمهوریه المصر، لجنه احیاالتراث الاسلامی، القاهره، ۱۴۲۸ق.

۶۰.محمد سید طنطاوی، تفسیر الوسیط، دار نهضه مصر للطباعه و النشر، قاهره، ۱۹۹۷ م.

۶۱.محمدبن احمدبن عثمان (ذهبی)، من تکلم فیه و هو موثق أو صالح الحدیث، تحقیق عبدالله بن ضیف، مکتبه المدینه، ۱۴۲۶ق

۶۲.محمدبن احمدبن محمد المحلی، تفسیر الجلالین، دار الحدیث، القاهره، بی تا

۶۳.محمدبن اسماعیل البخاری، صحیح البخاری، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۰ق.

۶۴.محمدبن حبان، صحیح ابن حبان، برگرفته از نرم افزار مکتبه الشامله

۶۵.محمود بن عبدالله آلوسی، تفسیر روح المعانی، دار احیا التراث العربی، بیروت ۱۴۱۱ ق.

۶۶.مسلم بن حجاج النیسابوری، صحیح مسلم، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۱ ق.

۶۷.مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل، دار الکتب العلمیه، بیروت ۱۴۲۴ق.

۶۸.نصر بن محمد سمرقندی، تفسیر بحر العلوم، دار الفکر، بیروت، بی تا

۶۹.یوسف المزی، تهذیب الکمال، حققه بسار عواد معروف، موسسه الرساله، بیروت لبنان، ۱۴۱۸ ق.

۷۰.یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفه الصحابه، تحقیق علی محمد البجاوی، دار الجیل، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.

۷۱.یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبر القرطبی، التمهید لما فی الموطأ من المعانی و الاسانید، محقق مصطفی بن احمد العلوی و محمد عبدالکبیر الکبری، مؤسسه القرطبه.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹